مجلسه ۴۰۵
(روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹)

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹

فهرست مطالب :

۱) طرح صورت مجلس
۲) بیانات قبل از دستور آقایان ، دکتر شاهکار - صدر زاده - عمیدی نوری
۳) اعلام وصول لایحه اصلاحی اعزام محصلین بخارج از مجلس‌سنا
٤) تقدیم یك فقره لایحه بوسیله آقای وزیر کشاورزی
٥) اعلام تصویب صورت مجلس
٦) بقیه مذاکره در گزارش شور اول کمیسیون برنامه راجع به تمدید مدت تقدیم لایحه سازمان اساسی سازمان برنامه
۷) طرح وتصویب یك فوریت لایحه تأسیس انبار های عمومی
۸) طرح و تصویب گزارش کمیسیون گمرکات و انحصارات راجع بسازمان بنادر و کشتی رانی
۹) تعیین موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دوساعت وپانزده دقیقه پیش ازظهر بریاست آقای عماد تربتی (نایب رئیس) تشکیل گردید .

۱ - طرح صورت مجلس

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه پیش قرائت‌میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان : دکتر امین - کاظم شیبانی - سنندجی - محمودی - دکتر دادفر - مهندس اردبیلی - دکترحسن افشار - مرتضی حکمت - سعیدی - بهادری - توماج - قوام - مجید ابراهیمی - پناهی - موسوی - امید سالار - دکتر نفیسی - اورنگ - دکتر سعید حکمت - اریه - دکترعمید - دکتراصلان‌افشار - دکترعدل - کدیور حشمتی - امامی خوئی .

غائبین بی‌اجازه - آقایان : دکتر طاهری - قرشی .

نایب رئیس - اعتراضی نسبت بصورتمجلس نیست ؟ (اظهاری نشد) پس‌از حصول اکثریت تصویب صورتمجلس اعلام خواهدشد .

۲ - بیانات قبل‌ازدستور آقایان : دکتر شاهکار - صدر زاده - عمیدی نوری

نایب رئیس - نطق‌های قبل از دستور آغاز میشود . آقای بور بور (بور بور - بنده وقتم را دادم بآقای دکتر شاهکار) آقای دکتر شاهکار .

دکترشاهکار - سروران عزیزم : مجلس‌شورای ملی محفلی است سیاسی که بحث وشور وانتقاد و توجه از لوازم وجودیه وعلت غائی تشکیل آنست ، یکی‌از سعادتهائی‌که یك ملتی میتواند داشته باشد ومیتوان گفت بزرگترین سعادتی است که یك ملتی ممکن است داشته باشد آزادی بیان وآزادی عمل وآزادی بتمام معنی‌کلمه است (صحیح است) واقعاً وقتی ملتی‌را میتوان گفت ملت زنده وصاحب حق حیات که از نعمت آزادی برخوردار باشد و این یك مطلبی نیست که امروز در اطراف آن ما صحبت بکنیم بلکه شاید آنچه‌درتاریخ مضبوط است پنج قرن‌قبل‌ازتولد مسیح و۲۰ قرن هم که ازآن تاریخ گذشته است شاید این مطلب مال ۲۵۰۰ سال ۲۶۰۰ سال پیش باشد که برای استقرار آزادی ودادن اختیار فرد بدست فرد یابقول خود لاتن‌ها دموکراسی یا حکومت مردم بمردم این مبارزه از دیر زمانی بوده است ، من خیال میکنم بر هر فرد ایرانی واجب عینی است که در هر موقعیتی که بدست میآورد از افراد واحرار وازخود گذشتگانی که با دادن خون خود با دادن جان خود ، سبب شدند ، موجب شدند که نهال آزادی دراین مملکت ریشه گرفت وبعد باز باخون خود این‌درخت

را آبیاری کرده‌اند و نگاهداری کردند بر هر فردی واجب است که بروح آنان درود فراوان بفرستد وهمینطور آنهائی راکه در این راه هستند تشویق بکنند چون بدون آزادی و بدون برخورداری از آزادی زندگی غیر ممکن است (صدرزاده ـ یعنی زندگی نیست ، جهنم است) یعنی زندگی نیست بنده میخواهم دراطراف این لغت یك قدری وقت آقایان عزیزم را بگیرم وبحث هم یك بحث تئوری ونظری نیست واین مطلب را هم اعتراف میکنم که هیچ مطلب اوبنی برای آقایان نخواهم گفت ، مطالبی است که بخوبی میدانید و شاید هم بهتر از بنده میدانید ، گیرم اغلب اتفاق میافتد که بعضی از بدیهیات و اصول اولیه و روشن معذلك تذکرش مفید ولازم است . رفیق عزیز ما که الان کرسی مقام ریاست مجلس را اشغال کرده‌اند پریروز یك لغتی گفتند که واقعاً درمن خیلی اثر کرد و آن این بود که فرمودند تمام خدا پرستان دنیا میدانند که خدا بزرگ است ، ما مسلمان ها بیشتر باین حقیقت واقفیم ولی برایمان فرض است که حتی در ظرف روز چند مرتبه بگوئیم الله اکبر وحال آنکه برای ما یك حقیقتی است مسلم . مطلبی که من دراطراف آزادی میخواهم صحبت کنم یك مطلب اوبنی نیست یك مطلبی نیست که برای آقایان روشن نباشد ولی بهمان ضرورت که ولو آنکه مطلب روشن باشد باید در اطرافش صحبت کرد بهمین جهت بنده میخواهم صحبت کنم شاید از زمان پرکلیت یا ارسطو یا سوفکل شروع بشود ودرقرن ۱۹ یا قرن ۱۸ بن‌ژامین کنستان ، در این قرن بافیلسوف معروف فرانسوی تمام نشده باشد ادامه دارد این بحثی که من الان دارم در حضورتان عرض میکنم این است که آزادی معنایش این نیست که ازطرفی فرد هر کاری که دلش میخواهد بکند ، فرد اختیار نامحدود داشته باشد و از طرف دیگر معنایش این نیست که ژوسو در کتاب قرار داد اجتماعیش اشتباه کرد و گفت آزادی یعنی فروش حقوق فردی بجامعه هیچکدام این‌ها نیست نه جامعه حق دارد عین لغت است (صدر زاده ـ یعنی یکقدری از آزادی را بجامعه واگذار میکنند) جناب آقای صدر زاده عبارت ژان ژاك روسو این است که :

Allié Nation des Droits de l'individu à la Société

یعنی فروش و واگذاری حقوق فردی باجتماع . من بنظرم این مرد اشتباه کرد حضرت اجل عالی عقیده‌تان این است که درست گفت عقیده‌تان هم بسیار محترم است ولی من عقیده‌ام این است که اشتباه کرد ولی بهرحال لغت مال ژان ژاك روسو است که گفت :

یعنی فروش حقوق فردی بجامعه که دراعترافاتش این مطلب درقرارداد اجتماعی Contrat Social کنترات سوسیال نوشته شده است درهرصورت اینهم نیست ، اجازه بفرمائید که رشته مطلب از دستم در نرود همانطوریکه آقایان میدانند یك عده دیگر از تئوریسین‌ها هستند که میگویند فرد درمقابل جامعه مستهلك میشود ودر مقابل آنچه که میدهد یك چیزی میگیرد مال هوبس است مال انگلس است ، مال این افرادی است که البته آقا اطلاع دارید آنچه که‌ما از آزادی می‌فهمیم ومن مطمئنم که جناب آقای صدر زاده دراین مطلب ودراین فکر با من همعقیده هستند آن عبارت ازسلطه وتفوق ملت است در امور خودش یعنی اگر یك ملتی باین پایه برسد که امور خودش را خودش اداره بکند سلطه بکارهایش را خودش داشته باشد وهمانطوریکه میگویند دموکراسی باشد خود برخود تسلط داشته باشد یك همچوملتی را میتوان گفت ملت آزاد . البته این آزادی همانطوریکه اشاره شد درمقابلش یك حدودی است یك قیودی است که بقول اویسنده بزرگ که میگوید که وقتی شما از تمام قدرت ها برخوردار هستید که حدود و ثغور آن را هم رعایت بفرمائید اما چگونه این مطلب تأمین می شود ؟ یعنی این مطلبی که در اطرافش کشتار ها شده است ، انقلابها شده است ، خونها ریخته شده است و آرزوی قلبی مردمان شرافتمند است ، در هر لباس و در هر موقعیت بهر بیان این سلطه مردم بر مردم یعنی حکومت فائقه بدست آمده و بالاخره اجرای خواسته های ملتی ومنویات مردم بصورمختلف درآمد که البته بازبحث بنده دراین نیست که این تاریخچه را بگویم که آن منویات امروز بنام قانون استعمال میشود میگویند یك حکومتی حکومت آزاد است یك مردمی برخوردار ازآزادی هستند که برآن مردم وبرآن حکومت قانون حکمفرما باشد این محفل یکی از کارهایش و من روی جمله یکی از کارهایش اصرار میکنم وکارمهمش عبارت ازقانونگذاری نیست ، این لغتی که ما استعمال میکنیم مجلس مقننه این لغت ما صحیح نیست لغت ما صحیحش همان مجلس شورای ملی است همانکه بهش میگویند پارلمان که از صحبت کردن است ودرممالك دیگر میگویند خانهٔ عمومی ، یکی از کارهای این مجلس عبارت است ازوضع قانون ، از برای تأمین این نظریه اینکه عرض شد ، یعنی اراده مردم وخواسته مردم مدار کاروملاك

کار وطرز رفتار منش و روال مردم باشد اگر این عمل تأمین شد ، یعنی دستور کلی آمرانه ای که مجلس شورای ملی میدهد مجلس سنا تأیید میکند ذات همایونی توشیح میکنند باجرا برسد اگر این دستور مبین خواسته مردم یا لااقل خواسته اکثریت مردم باشد البته معنی اجرای حکومت مردم بر مردم و آزادی و دمکراسی انجام شده ، اگر این قانون قانونی باشد که خواسته مردم نیست ، خواسته اکثریت مردم نیست ، مفسر میل مردم ومصالح مردم نیست آن ملت ملت آزادی نیست و آن حکومت حکومت قانونی نیست و لو اینکه بصورمختلف استتار بشود قدرت ، منبع قدرت در هرصورتی که باشد ، من بارباب قول میدهم که راجع به بندرعباس هم صحبت بکنم اگر بعرایض من گوش بدهند قول میدهم از اینجا پائین نخواهم آمد مگر راجع به بندرعباس هم صحبت بکنم آقای ارباب منبع قدرت هر چه باشد ازاین دو شق خارج نیست یا این منبع نامشروع است و یا نواست آن همان معنی است که رفیق عزیز من ارسلان خلعتبری دیروز گفت آن منبع منبع زور وقلدری است فاشیسم است ، نازیسم است یعنی حکومت فرد برمردم یعنی حکومتی که با زور بدست میآید و آن مثل یك جباب صابون میماندکه میآید روی آب همینکه پف بکنند از بین میرود ، تاریخ دنیا نشان داده است که این حکومتها برجا نمانده اعم ازاینکه نگهدارنده آن نرون باشد یا دوك موسیلینی باشد یك چند صباحی میگردد و بعد میترکد و از بین میرود ، یك دستگاه مصنوعی است که با یك گرد بادی میآید و با یك تند بادی از بین میرود تاریخ دنیا هم پرازاین شواهد وامثال است یك منبع دیگر عبارت از منبع مشروع و رواست وآن منبع قدرت عبارت ازاراده ملت و خواسته عمومی است ، آن جائی است که قوی است و پا بر جاست ، میماند ، استوار است حالا اسم این چیست من کاری ندارم اسم این فئودالیسم است ، سلطنتی ، جمهوری است هرچه باشد این نور باید از پائین بتابد وقتی این قدرت بود البته این دستگاه پایدار و استوار خواهد ماند امروز درژرژیم دنیا درژرژیم ۹۸ درصد دنیا حکومت فائقه حکومت قانون است ازاپجر یا بگیرید تا بروید بمملکتی که ۷۰۰ سال سابقه پارلمان دارد از گانا بگیرید یعنی جائیکه ۱۷ ماه پیش استقلال پیدا کرد تا بروید بمملکت دومی که ۱۷۵ سال یا دوقرن حکومت پارلمانی دارید در تمام این ممالك امروزه قدرت خودش را بنام قانون معرفی میکند ، اینکه گفتم بنام قانون ، یك روزی پشت این تریبون مجلس در اوائل دوره ۱۸ بود و اوائل افتخار داشتن من بود بنام وکالت مجلس شروع بیانم این بود که من اصالتاً بنام یك فرد ایرانی صحبت میکنم ، امروز هم این لغت را عرض کردم گفتم حکومت حکومت قانون یا بنام قانون ، چرا ؟ بدلیل اینکه همین در و دیوار همین محفل شاهد است که بنام قانون جنایاتی نزدیك بود رخ بدهد و یك مقداری هم رخ داد و اگر شما بگوئید که خیر ، این خواسته مردم بود عرض میکنم اینطور نیست چرا ؟ بعلت اینکه آن دستگاه واژگون شد اما دیگر دستگاهی بنام قانون نخواهد آمد که خواسته ملت نباشد ؟ این است علت اساسی زحمتی که من امروز بآقایان میدهم و استدعا میکنم چون شاید کمتر دیگر موقعیتی برایم پیش بیاید که این مطالب را بعرض برسانم بعرض دقت بفرمائید چه میخواهم بگویم ، این دستور آمرانه ، این دستور کلی مطلب که عبارتست ازحکومت مردم معرف باید خواسته قاطبه مردم نه اکثریت نسبیتان ۱۱ نفر است ممکن است دوازده ، سیزده ، چهارده ، پانزده نفر هم باشد رأی میدهید با کثریت تصویب شد چه وقت شما معرف اکثریت واقعی هستید ؟ وقتی که آن ۲۰ نفری که آنجا هستند معرف اکثریت باشند ولی وقتی این ۲۰ نفر درمیانشان جرفی باشد ، بحثی باشد آن خواسته ۱۱ نفر ، ۱۲ نفر زنهار خواسته اکثریت نیست واینجاست که حکومت مردم بر مردم نیست عرض کردم مطالبی را که میگویم همه را میدانید ولی اجازه بفرمائید این سوابق تاریخی را بعرضتان برسانم برای اینکه خواسته مردم این را اگر آقایان اجازه بفرمایند درتمام تواریخ دنیا این را با حرف (واو) و (ژ) استعمال میکنند اگر این دولفت ، این خواسته عملی شد دریك جامعه‌ای ، آن جامعه برقراراست ، پایدار است ، استوار است وميماند ورنه تاریخ دنیا ثابت کرده هیچ قدرتی ، هیچ نیروئی ، هیچ انرژی موفقیت بتغییر جریان طبیعی امور نخواهد داشت ، دلیل زنده من تاریخ ماست وسه هزار سال تاریخ ضبط شده ۵ هزارسال تاریخ ، این کوران راماندیدیم ، اختناقهائی در دنیا آمد اختناقهائی که پشت مورچه هم میلرزد چه برسد پشت بشر اما این باد سیاه قطع شد ، رم را ببینید بکجا رفت حکومتهای بعدی را ببینید کجا رفت ، همان جائی که صحبت ازحکومت مردم به مردم میکردند ، برای این کارفکرها شده است که چگونه این را تأمین کنند یك کتابی دارد یکی ازمتفکرین قرن اخیر ، بهشان عرض کنید آقای مهندس جفرودی همان مطلب را دارم عرض

میکنم ، یك کتابی دارد بن ژامین کنستان تاریخ سیاسی دنیا را شرح داده است ، یکی از پیشنهاداتی که میکند این است که میگوید جناب آقای صدر زاده جواب روسواست او اعتقادش این است که انتخابات یك درجه‌ای اشتباه است میگوید که نه تنها انتخابات یك درجه‌ای اشتباه است بلکه انتخابات را سه مرتبه یك درجه ای بکنید پیشنهادش این است برای انتخاب ۵ نفر اول ، تمام مردم بیایند ۲۰۰ نفر را انتخاب کنند بقیه آن ۲۰۰ نفر بیایند ۱۵ نفرشان را انتخاب بکنند بعد ملت دومرتبه بیاید این ۵ نفر را انتخاب بکنند یعنی سه مرتبه اراده عمومی را دخالت بدهند این سیستم بدلائلی که نمیخواهم عرض کنم حضورتان عملی نشد طرق متعدد ومختلفی در دنیا پیش بینی شد از برای تأمین این مطلب که وقتی یك نفر نماینده مجلس بنام نماینده ملت حرف میزند یك مقدار حقیقت برایش باشد چرا میگوئیم تا یك مقدار بعلت اینکه حقیقت مطلق در روی زمین وجود ندارد آنهائی که حکمت وفلسفه میدانند متوجهند که من چه عرض میکنم تازه حقیقت مطلق را ما نمی بینیم اگر میدیدیم بمقام اولیاء الله میرسیدیم یك نوسانات مختلفی است یك رنگهای مختلفی است وقتی روی پرده میگردد بنظر ما سفید میآید در حالیکه سفید نیست رنگهای مختلفی است ، با این نوسانات وقتی حرکت فوق العاده شد ما خیال میکنیم که سفید است بعلت این گردش فوق العاده پس ما معتقد هستیم حقیقت مطلق وجود ندارد ، بنا بر این بهیچیك از نمایندگان مجالس دنیا برنخورد لغتی که عرض کردم گفتم یك مقداری حقیقت باشد از برای اینکه بگوید من معرف اراده عموم هستم ولی یك مواد اولیه دارد یك قدمهای اولیه دارد که در آن هیچگونه تردید نمیشود کرد قدم اولش این است که در یك مملکتی که جمعیتش فرض کنند ۳۰ میلیون نفر است اقلا ۳۰۰ نفر بعنوان نمایندگان ، بعنوان این ملت بنشینند صحبت کنند نه ۱۰ نفر ، نه ۲۰ نفر نه ۵۰ نفر بنظر بنده این عده هم کم است رشد یك مملکتی در این است که عده نمایندگان آن ملت هرچه ممکن است بیشتر باشد در درجه دوم این مطلب باز مهم است که اصل ۳۰ قانون اساسی ما خواسته است جبران بکند تا اندازه‌ای ، این است که نماینده نمایندهٔ تمام مملکت معرفی بشود و این مطلب بسیار مطلب مهمی است یعنی من ساکن خیابان ۳۰متری مقیم تهران از بندر عباس ولار ودشتستان نمیتوانم صحبت کنم وارد نیستم اطلاع ندارم خیلی معذرت میخواهم اترسه هم نیستم از این جهت است که قانون اساسی ما در اصل ۳۰ جناب آقای دشتی صراحتاً تذکر داده است که نماینده یك حوزه فقط نماینده آن حوزه نیست بلکه نماینده قاطبه مردم ایران است ، نماینده تمام مملکت است چقدر دقیق بوده اند نویسندگان اولیه قانون اساسی که بتمام این اصول دمکراسی بیشتر از نویسندگان ودانشمندان فعلی ما وارد بوده‌اند (صحیح است) فلسفه این ماده را ببینید که از کجا رفته است پیدا کرده است که هریك از نمایندگان نماینده تمام حوزه‌ها است گفته است حالا که نمیتوانیم از تنگستان وکیل ونماینده بفرستیم ، نمیتوانیم از آن جاهائی که آقایان اطلاع دارند وکیل بفرستیم ولی فعلا تو که نماینده جهرم هستی تو وظیفه داری از کرمانشاه وتهران هم دفاع کنی ، من پریروز که این جا جدول را دیدم واقعاً خوشحال شدم که حوزه انتخابیه ما ۱۶۰ تا است ومن امیدوارم که یك روز حوزه انتخابیه ما بشود ۱۶۰۰ تا این عرض من اینجا باقی خواهد ماند یك روزی شاید نوه من بگوید پدر بزرگ من این انتظار را داشت (احمد طباطبائی ـ مگر وکالت ارثی است ؟) که حوزه انتخابیه ایران بشود ۱۶۰۰ تا تا تمام مردم ومخصوصاً نقاط دورافتاده ونقاط غیر قابل توجه (صدر زاده مثل بندرعباس) آنجا باید بیشتر از حقوقش دفاع بشود و توجه بشود (مهدی ارباب ـ تابحال نتوانسته اند) مطلبی است که در کمال روشنی ودر کمال وضوح رفیق فاضل من آقای مهران پریروز بیان میکردند که مخصوصاً باید در مورد انتخابات این نقاط دورافتاده بیشتر توجه بشود ومن بااجازه آقای جعفر بهبهانی اول دفعه‌ایست که بعنوان نماینده تهران شاید از تهران دفاع کنم بگویم خوب در تهران آقایان هستید ، دولت هستند اعلیحضرت همایونی هستند ، همه جا سایه‌شان هست اما باور بفرمائید هرچقدر از مرکز قدرت که تهران است دور تر برویم باید آن نواحی را بیشتر توجه کنیم (صحیح است) مطلب سوم عرض کردم یکی عده است ، یکی تجربه است و یکی هم طول مدت است این قسمت‌ها چون تأمین شده عرض ندارم وچون مطلبم هم حماسه سرائی و مجامله کاری نیست نمیگویم ولی آقایان میدانند با بتکار کی این‌ها شد ؟ چگونه شد ؟ میدانید عده نمایندگان چطور ۲۰۰ نفر شد ۲ سال چطور شد ٤ سال ؟ این‌ها مطالبی است که من وشما و دنیا و همه میدانیم ولی یك مطلب دیگری بود که مطالب بسیار مهمی است هر کس عرایض مرا با دقت توجه بفرماید خواهد دید که یك کتابی را که آن نتیجه یك کمی مطالعات من است باز کردم بشرافتم و بدوستی تان و باحترامی که باین مکان مقدس قائلم بدون هیچگونه نظری دارم این مطالب را عرض میکنم مطلب سومی که باید تأمین بشود

این است که سعی بشود این کرسی وهریك از این کرسیها را نمایندگان اکثریت واقعی مردم اشغال کنند (صحیح است) اگر این مطلب تأمین شد که کسیکه ۵۴۳۷۲ رأی دارد این نماینده ۵۴۳۷۲ رأی بود شما مطمئن باشید ۲۰ میلیون جمعیت ایران را هیچ قدرتی ، نمیتواند بکوبد بشرط اینکه مجلس شورای ملی مرکز قانونگذاری محل سلطه مردم بر مردم و نمایندگان اکثریت مردم باشد ، شهامت یك ملتی شهامت یك فردی این است که توی چشم طرف نگاه بکند بگوید عیب تو این است و راه حل این است ، ممکن است بروم ، چه باك من میروم بنده‌زاده میآید . بنده‌زاده میرود ، بنده‌زاده میآید (طباطبائی قمی ـ ارثی که نیست) بنده و بنده‌زاده جناب آقای قمی یعنی افراد مثلی نه عینی بنده لغت‌زاده عرض کردم شما که اهل این حرفها هستید ؛ من و آقای قمی هردومان بچه روضه‌خوان هستیم و میدانیم که توی حرف روضه خوان نباید صحبت کرد . دنیا و طبیعت از خلاء متنفر است ، دشمن است ، اینجا فیزیك دانها هستند طبیعت دشمن خلاء است ، طبیعت پر میکند اگر بفعل متعدی پر نشود بفعل لازم خواهد شد اگر من نکنم ، میشود این خلاء را چه‌جوری باید پر کرد اگر اراده من ، خواسته من پر کرد خواهد شد و گرنه همانطوریکه عرض کردم بصیغه لازم میشود این تهدید نیست ، حقیقت است ، روشن است ، این ناموس طبیعت است ، این مذهب سیاسی است از الف بگیرید تا ی تاریخ دنیا را نگاه کنید . کافی نیست که ما فقط نطق بکنیم ، تبلیغات بکنیم لازم است راه حل پیدا کنیم چطور محمد شاهکار یا بقول آقای طباطبائی قمی چون ارثی نیست دیگری ، دیگری ، این وقتی میآید در قوه قانونگذاری در قوه فرمان سلطه مردم بر مردم اعم از مجلس شورای ملی یا نصف مجلس سنا مطابق قانون واقعاً نماینده حقیقی نسبی مردم باشد برای این کار طرقی را دنیا انتخاب کرده است این طرق را اگر من بخواهم صحبت بکنم از این نیمساعتی که حوصله دارید تجاوز خواهد کرد از نیم روز و یك هفته هم تجاوز خواهد کرد اینجاست که من به فکر افتادم باید بیایم طرف آقا ، فردی نمیشود ، دانه‌ای نمی شود بدهید و بستانید ولی نفروشید ، بدهید و بستانید یعنی جناب آقای مهدی ارباب از یك مقدار حقوق و مزایای شخصیص صرفنظر میکند ، نیمسار عزیزم آقای صفاری هم که اینجا تشریف دارند همینطور و دوست عزیزم شادمان همینطور این سه نفری هرکدام یك مقداری میدهند تا در مقابلش یك مقدار بزرگتری بنفع سه نفرشان بگیرند این هم یك اسمی دارد که حالا نمیخواهم عرض کنم با این وضعیت فکر کردن مطلب ممکن است تأمین بشود در عمل برخوردند بیك معایب اسم این را گذاشتند قسمت همکاری یاری ، پارتی لغت ، لغت لاتین است من نمیدانم لغت حزب از کجا پیدا شده ولی این مطلب هست (دکتر وکیل ـ من میدانم) اگر میدانید منشاء لغت را بعد بمن بگوئید ، ولی این مطلب همان است که عرض کردم همکاری ، همیاری با هم بودن واتفاق و آنکه بآن میگویند پارتی ما میگوئیم حزب ، در این کار سوءاستفاده شد ، صحبت از ایران نمیکنم صحبت از دنیا میکنم ، آمدند همان یك عده قلدر ، یك عده زوردار آمدند دور هم جمع شدند گفتند این است قدرت ، این است حزب ، این است پارتی وفرمان خودشان را تحمیل کردند بدیگران یعنی چه شد ؟ یعنی شد یك نوری که از بالا می‌تابید بپائین و دیگران حق نفس کشیدن نداشتند اسم این را گذاشتند تفوق حکومت کارگر .

نایب رئیس ـ آقای دکتر شاهکار آقای پناهی موافقت فرمودند که از وقت ایشان استفاده کنید ، وقت خودتان بعالی و وقت آقای پناهی بورود تمام است از حالا از یك ربع وقت آقای پناهی استفاده میکنید .

دکتر شاهکار ـ باین سیستم ، یعنی سیستم یك پارتی که عرض کردم یا بنام حکومت کارگر یا بنام سلطه فکری آمدند دیدند قلدری وزور واز بین بردن آزادی مردم بیشتر شد و هر سه هم همانطوریکه آقای ارسلان خلعتبری مثال زد از بین رفت و دیگری هم در جنجالی است که می‌بینیم یعنی مردم رفتند زیر دست و پا له شدند در حکومت یك پارتی هم حکومت قلدریست ، حکومت زور است ، بنام کمیته مرکزی در جای دیگر حکومت چند حزبی درست شد از اجتماع منفردین ، یعنی اگر آن یك نفر را میشد جواب داد حالا ۱۵ نفر را باید جواب داد بهترین مثال این قضیه دولت علیه فرانسه است ، قبل از حکومت ژنرال دوگل که تقریباً ۱۷ پارتی در مجلس بود و۹ تا ۱۱ پارتی هم در خارج از مجلس ، گورارا از این چیزهائی که اطلاع دارید کار بجائی رسید که شوفر تاکسی در ۱۹۵۱ میگفت من متأسفم که چرا این پاله‌دوبور بن را نمیزنند توی سن تا اینکه مردم فرانسه بتوانند نفس بکشند وآزاد باشند آقایان اطلاع دارید که پاله‌بور بُن درست فاصله‌اش باسن ۳۰۰متر است ، یك سیستم دیگری هم بود آن سیستم این بود که یك حزبی باشد نه

چند حزبی باشد بلکه دو حزب و دو پارتی باشد که حکومت و مردم دوش بدوش هم کار بکنند ، این سیستم را بنظرم در ۳۵۰ سال پیش دولت انگلستان عملی کرد بنظرم مال ۳۰۰ تا ۳۵۰ سال پیش است (یکی از نمایندگان ـ در انگلستان دو حزب بیشتر است و سابقه حزبی هم بیشتر است) به دو حزب اساسی بیشتر نیست و بنظرم سیستم حزبی بیشتر از ۳۵۰ سال نیست البته تا اندازه‌ای در این قسمت است که ممکن است سعی بشود که این خواسته‌ای که عرض کردم عملی بشود این جا باید یک پرانتز باز کنم و عرض کنم حزب یعنی چه ، همانطوریکه در بدو عرایضم پارلمان را عرض کردم محفلی است سیاسی که شور و بحث و انتقاد و نظارت از لوازم وجودی و علت غائی آنست حزب هم یک مطلبی است که باید درست آن کاری را انجام بدهند در امور سیاست که استاد بیجاری رنگرزی ، آهنگری ، معماری و بنّائی انجام میدهند ، آقایان میتوانید هیچ باور کنید که یک نفر پاشود بیاید بگوید من مهندس سعید هدایتم بدون اینکه هیچ کلاس معماری و مهندسی دیده باشم بخواهم بیایم کارهای ساختمانهای اساسی را انجام بدهم ، بهیچوجه ممکن نیست ، نمیتواند این کار را بکند ، هیچ ممکن است یک کسی ارّه بدستش بگیرد برای مبل سازی قبل از اینکه اصول مبل سازی را یاد بگیرد هیچ باور میکنید یک نفر پشت رل بنشیند البته بدون اینکه آدم زیر بگیرد قبل از اینکه فنّ رانندگی را یاد بگیرد ؟ ما برای بزرگترین فن در دنیا یعنی مکتب اجتماعی ، اجتماع‌داری ، علاقه بمملکت و حقوق عمومی مکتب نتوانسته ایم قائل بشویم بنده دلم میخواهد یک روزی این تلویزیون و رادیو و مطبوعات ما عوض اینکه سئوال بکنند که خواهر زاده اردشیر بابکان کی بود یا مثلا از یک کسی میپرسیدند که روز ۳۱ دی چند شنبه بود ، یک خورده از این سئوالاتی بکنند که اصول اولیّه وظیفه اجتماعی است و یک خورده هم بیاورند بالا بگویند آقا قانون اساسی ما از چه مطلبی بحث میکند یا اسم ۵ نفر از احرار و سران مشروطیت را ذکر کنید مرحوم سید عبدالله بهبهانی یا مرحوم امام جمعه خوئی بگردن این ملت حق دارد این اسامی را آقا مردم باید بدانند پیرسند از این آقایان که اصل تفکیک قوا یعنی چه و کجا نوشته شده است آقا مسئولیت وزرا یعنی چه قدرت مجلس شورای ملی و مجلس سنا چیست شما بروید در این جنوب شهر من بشما قول شرف میدهم اگر بپرسید وزیر خارجه ایران چیست گفتم بروید جنوب شهر خیر بروید بالاتر اسم وزیر خارجه ایران را بدانند میلیونها میلیون تومان پول در دست این جوان زیبای سمپاتیک شرافتمند آقای مهندس خسرو هدایت است بپرسید رئیس سازمان برنامه ما کیست شاید ندانند تا ما روشن‌ها ، ما چشم بازها مادرس خوانده‌ها ، ما پرمدعاها بقول آقای دولت آبادی باید فداکاریمان را یک خورده زیادتر بکنیم بیائید یک قدری چشمتان را باز کنید دوتا از خواهرهای من بیسواد ، بیسواد مطلق آقای بهبهانی من حق دارم که بخواهرم ایراد که تو چرا عوامی ؟ خیر برای اینکه نفرستادمش مدرسه بنده دست راست بودم ایشان دست چپ بودند تمام زینت‌ها برای بنده بود مرا فرستادند بمدرسه فرهنگ مدرسه تدین و دارالفنون و فرنگ ، آن اقدس خواهر بنده ماند من حق دارم باو ایراد کنم که تو چرا عوامی ؟ من حقش را دزدیده‌ام از بین برده‌ام مادر را بروی مردم می‌بندیم اول باید در مکتب را بروی اینها باز بکنیم چشمشان را باز بکنیم روشن بکنیم بعد بگوئیم چرا محمد شاهکار میاید بمجلس اگر چشمش باز باشد اگر روشن باشد اگر بحقوق اجتماعیش آشنا باشد حق خودش را میگیرد حق گرفتنی است ، حق دادنی نیست درهیچ جای دنیا نمیآیند درخانه آدم را بزنند بگویند آقای محمد شاهکار این مقدار بتو مدیونیم و اینقدر حقوق و مزایای تو بیا بستان نه ، اساساً حق گرفتنی است باید رفت دنبالش از این جهت است که همانهائی که با کمال ایمان میتوانم بگویم از ته قلب آزادیخواهند و علاقمند به پیشرفت مملکت به نمو فکری ملت همانها باید بیایند کلاس حزبی را تقویت کنند این راه حلّی است که مردم را بحقوقشان آشنا میکند ایران ما قطعی است هر روز مدارج بهتری را طی میکند امروز دوتا حزب در این مملکت تشکیل شده است یکی‌اش را دکتر منوچهر اقبال اداره میکند یکیش را آقای اسدالله علم سوابق این دو نفر را مردم ایران میدانند منوچهر اقبال مرد متقی است مرد پرهیزکاریست ، مرد بی‌غرض است مرد تحصیلکرده ایست ، خدمتگزار واقعی است اسدالله علم در سابقه کم سیاسی که داشته است یک نقطه سیاه ندارد مرد خدمتگذاریست ، یک عده روشنفکر یک عده علاقمند بمملکت در این دسته وارد شده اند یک عده علاقمند بمملکت در آن دسته وارد شده اند ، هیچکدوم به اختلاف اصولی هم با یک دیگر ندارند (صحیح است) گیرم بحکومتشان اصولا باید حکومت بکند دیگری نظارت

این دو حزب فاقد عیب بخدای متعال نبودند اگر هم کسی بگوید بودند واقعاً خود خواهی است ، ولی هست . ولی امروز من باید باشم تا کم کم اصلاح بشود اگر نباشم که اصلاح نخواهد شد باید باشند تا اینکه درست بشود من میخواهم فکر کنم میپرسم بعنوان یک شاگردی استادان محترم میتوانند تصور بفرمائید رژیم پارلمانی بدون حزب؟ میتوانند تصور بفرمایند چراغ نفتی بدون نفت ؟ میتوانید فکر کنید یک ارتشی را بدون سرباز؟ میتوانید تصور کنید یک علمی بدون مکتب ؟ آقا بفرمائید که سراپای حزب ملیون فاسد است یا خدای نکرده معایبی در حزب مردم هست ؟ (یکی از نمایندگان ـ گمان میکنم) من هم گمان میکنم تا هردومان دروغ گفته باشیم خوب اگر این را میدانید اصلاحش بکنید ، بیائید این بنائی که ساخته است و ۱۷-۱۸ ۱۹ ـ ۲۰ ساعت کار میکند بیائید باو کمک کنید و گرنه همانطوریکه عرض کردم همانطور که وجود مطالبی را که گفتم بدون معلولش ممکن نیست اینهم همانطور است مدتها وقت لازم است از برای اینکه شیرخون بشود مدتها وقت لازم است از برای اینکه غوره انگور بشود ، مشروطه ما در این قوام بود آزادی ما تا این درجه بود من نمیخواهم بگویم حالا ما بنقطه اعلی رسیده‌ایم استاندارزندگی ما با این وضعیت بوه ، قدم بقدم داریم روبه جلو میرویم یک روزی باین ۲۰۰ کرسی پارلمان و این ۳۰ کرسی سنا را فقط و فقط باید اراده ملت اشغال کند آن روزیست که واقعاً دو تا حزب قوی ملّی حسابی در این مملکت باشد برای هر کاری یک شروعی لازم است کسی میگوید طفل هفت سالهٔ من فهمش و قدرتش باندازهٔ مرد ۳۵ یا چهل ساله است مشروطه امروز را مقایسه کنید با اطلاعات عمومی راجع بمشروطیت را با مشروطیت و اطلاعات عمومی در پنجاه سال پیش این حرف در تاریخ خواهد ماند که عرض میکنم که شرط نضج مشروطه و حکومت مردم بر مردم تشکیل احزاب است و رقابت دو حزب با یکدیگر از برای اینکه حقوق عمومی مردم حفظ بشود درها باید باز بشود ، بقال ، بجار ، راننده تاکسی ، آخوند ، فکلی همه مردم تمام طبقات زن و مرد وارد این امور اجتماعی مملکت بشوند تعلیم بگیرند حقوقشان را بخواهند وظایفشان را بدانند ، بدانند نمایندشان کیست مسئولیتش چیست بپرسند برنامه ات چیست بما بگو ، سوابق تاریخیت را بگو ، بگو چه خدماتی کرده‌ای و چه خدماتی خواهی کرد؟ چه میخواهی بکنی؟ بروند باهم شور بکنند مشورت بکنند دست بدست هم بدهند آنوقت بگویند این یکی برای ما خوب است وقتی ۱۵ نفری این کار را بکنند من بضرورت حکومت عدد از بین خواهم رفت اما اگر بین آنها تشتت و جدائی بگذارند آنها را از هم دور بکنند آنوقت یک صورت ظاهراً اصلاحی بمردم نشان خواهم داد و به لطایف الحیلی وارد میشوم و یک کرسی را غصب میکنم در مجلس شورای ملی هستند افرادی که روی سوابق تاریخیشان روی اعتبارشان روی شخصیتشان در هر شرایطی نماینده خواهند شد اما فرق بین ورود در حزب و عدم حزب این است که ۱۲ تا یک جا بیشتر است از ۱۲ تا ۵ر ۱۲ جا این یک امر بسیار طبیعی است (صحیح است) یک وقتی یک کسی از من پرسید شرایط وکالت عدلیه دوتا است شما ۲۵ سالتان که بود لیسانسیه حقوق که شدید استاژ که دادید میشوید وکیل عدلیه اما برای اینکه در این قضیه موفقیت پیدا بکنید یک شرایط دیگری لازم است شرایط نماینده مجلس و کاندیدشدن بهیچ وجه من الوجوه عضویت حزب نیست نه قانون انتخابات میگوید نه قانون اساسی و نه اعلیحضرت همایونی فرمودند نه هیچکس اما مطلبی مسلم است برای یک عده زیادی شرط موفقیت در این امر پشتیبانی یک اکثریت متشکل است و آن عبارت از عضویت حزب است یک اشخاصی البته بقدری خودشان شناخته هستند که خودشان متشکلند سردار فاخر حکمت یک ربع قرن خدمات سیاسی اجتماعی بمشروطه این مملکت دارد حالا من خیال میکنم که در حوزه انتخابیه شیراز سردار فاخر حکمت نماینده باشد من این مطلب را خدای متعال شاهد است که شنیده‌ام همین جوری نمیگویم ارسلان خلعتبری که اینجا نشسته شخصی است که در محیط وکلای دادگستری در محیط مازندران بسیار خوشنام است اما اگر در مقابل ارسلان خلعتبری یک نفری که در حزب وارد است و یک عده طرفدار متشکل دارد اگر او موفق بشود علتش این است ، ارسلان عزیز علتش این است که تو تنها مانده‌ای و عده‌ای همدست و متشکل میشوند (خلعتبری ـ مثالتان را عوض بفرمائید) نه خیر عوض نمیکنم چرا عوض بکنم شما وقتی موفق خواهید بود که بیائید برای جامعه خدمت بکنید آقای خلعتبری من اگر عیبی دارم بیا اصلاح بکن بگو راه عوض میروی بیا درست بکن چرا قهر میکنی اینکار باید بشود این راه باید طی بشود عرض کردم اگر من طی نکنم بعدی طی خواهد کرد اگر من گفتم مثالم را عوض نمیکنم برای این که من شما را میشناسم و به پاکی به تحقیق کردن به متفکر

بودن به‌بی‌نظری و خوبی شخص‌او اطمینان و اعتماد دارم بیست سال‌است که شما را میشناسم ازاین‌جهت گفتم به‌مثالم را عوض‌نمیکنم مجامله نمیخواهم‌بکنم آقا این امری‌طبیعی و بدیهی است بنده دو دوره رئیس کمیسیون دادگستری بودم من‌خیال میکنم شرافتمندانه هیچکدام از رفقایم از شخص‌بنده ناراضی نبودند دراین دوره یك‌دسته‌ای تشکیل دادند حزب مردم آقا آن اکثریت متشکل‌شد علتش این بود که آن آقایان در آن موقع متشکل‌تر از ما بودند (مهندس هدایت ـ قرعه اینکارراکرد) نوش‌جانتان حقتان بود در دفعه اول سرخودتان صاف ۱۱ و ۱۱ بود در مرتبه دوم ۷و۸ تا بود آقای مهندس سعیدهدایت دلیلش این‌است که عرض کردم آنها متشکل‌تر بودند البته آقای فخر طباطبائی‌هم مرد بسیار خوبی است اما دلیلش این‌نیست‌که بنده بد بودم دلیلش این‌است که آن اکثریت این اقلیت را از بین برد آن اکثریت متشکل‌بود این‌یك امرطبیعی‌است

نائب رئیس ـ آقای‌دشتی‌وقتشان‌را به‌جنابعالی‌تفویض فرمودند.

دکتر شاهکار ـ تا پنج دقیقه عرضم را تمام میکنم (نمایندگان ـ استفاده بفرمائید) خسته شده‌ام میخواهم عرایضم راتمام کنم بنده از استانو کو (این آقای‌تندانویس دارد می‌نویسد) یعنی از وضع موجود حزب میلیون و بعنوان یك فرد ایرانی از وضع موجود حزب مردم نیامدم دفاع کنم دفاعم از لزوم حزب است از وجود حزب است (صحیح است) این عرضم را زیرش خط میکشم همان‌فکر دمکراتی که گفت دو سال دوره نمایندگی بشود چهارسال همان فکر دمکراتی که گفت ۱۳۶ نفر بشود دویست نفر همان فکر دمکرات گفت آقا کار مردم را بدهید بدست مردم مردم‌را روشن کنید درهارا باز بکنید آنهارا بیاورید بمکتب اجتماعی وارد بکنید بخوانند و روشن بشوند آنها نمایندهٔ حقیقی خودشارا پیدا میکنند این است که لزوم وجود حزب با اسم غیرمعین اسمش حزب ملیون است باشد اسمش حزب مردم است باشد اسمش حزب من است حزب شما است باشد هرفرد شرافتمند و علاقمند به این مملکت کمك خواهد کرد به پیشرفت حزب مثل اینکه آقای ارسلان خلعتبری در تدوین بدوی اساسنامه حزب کمك فرمودند که یکی از پوانهای درخشان زندگی سیاسی ایشان شمرده میشود حالانمیتواند وارد حزب بشود قدمش روی چشم ما پابرجا باشد شما مغز متفکر هستید این را نشان دادید حالا من سلیقه‌ام این است که در زندگی اجتماعی باید دست بدست همدیگر داد بلوك درست کرد و این بلوك را با مردم درست کرد قیافه هارا نشان دادخودرا معرفی کرد و گفت این سابقه من است میخواهی من را بنویس آقای مهندس جفرودی من در دیگری را عقیده ندارم که از در دیگری آدم وارد بشود امیدوارم در آتیه بسیار ازدیکی تصمیم حزب بجائی برسد که دیگر کسی رغبت نکنید منفرد بماند البته در هر سازمانی‌معایبی‌هست برهر وطن پرستی لازم است که بپاید رفع نقیصه را بکند کمك بکندیاری بکند تارفع‌نقایص به تفضلات الهی بشود و مملکت ایران قدمهای بلندتر و بزرگتری به نفع ملت و مردم ایران بردارد (احسنت)

نایب رئیس ـ آقای دشتی ده دقیقه دیگر از وقت جنابعالی باقی است.

دشتی ـ پنج دقیقه ازوقت بنده را آقای صدر زاده استفاده میفرمایند.

نایب رئیس ـ آقای صدرزاده.

صدرزاده ـ بنده فقط یك توضیح مختصری دارم فرمایشاتی که‌جناب آقای دکترشاهکار فرمودندمثل اینکه جناب آقای ارسلان خلعتبری که یکی ازمنفردین‌محترم مجلس هستند روی سخن بطرف ایشان بود خیال میکنم‌نه بنده نه ایشان مکتب حزب را انکار نداریم ویك روزی هم ما در حزب بودیم سالهای قبل‌که شایدبعضی از آقایانی که امروز سنگ حزب را بسینه میزنند آن روز نبودند اما نکته‌ای که بنده میخواهم عرض بکنم و نخواستم در بین فرمایشات ایشان وارد بشوم وصحبت را اطاله بدهم راجع‌به بیانات ایشان در مورد قرارداد اجتماعی بود البته من چون زبان فرانسه‌نمیدانم ترجمه آن‌را یابه‌عربی یا بفارسی‌مطالعه کرده‌ام این مسئله قرارداد اجتماعی که روسو گفته است اولا این ابتکار خود او نیست یك ریشه‌ای در حقوق داشته است او اصول معینی را تنظیم کرده است که انسان از او خلق میشود آزاد زندگی باید بکند وآزاد بمیرد حزب و هرچه نام بگذارید برای تحکیم این اصل است یك فردی که میخواهد انتخاب بشود مقصود این است که آراء ملت شامل او بشود وبااراء مردم بیاید خواه آن مردم درحزبی متشکل شده باشند یا اینکه منفرداً رأی بدهند واگر بنا شود ۶ نفریاده نفر یا۱۲ نفر آدم‌بگویند صدرزاده یاارسلان خلعتبری صالح است وکیل مجلس باشد اینها بانتخاب آن

۶ نفر تعیین میشوند نه بانتخاب افراد این است که دراغلب اجتماعات وقتی میخواهند یك نماینده‌ای معین کنند رفراندم میکنند ازخود آن اجتماع ومیگویند شما کسی را می‌پسندید از میان خودتان یا خارج که ما بیاوریم‌چون آن کسی که میاید اینجا باید بالنتیجه رأی داده داده داشته باشد که بشود اکثریت والا اگر غیر از این باشد به انتخاب یك عده‌ای که بگویند ما مصلحت میدانیم این‌فرد منتخب بشود واو بنام حزب هم اورا معرفی بکنند باز هم این انتخاب شخصی‌است برفرض یکنفرنباشد پنج‌نفر باشند این مطلب اصلی است بهرحال من بنا دارم راجع بحزب و تشکیلات آن ودراین موضوع یك روزی بحث بکنم و انشاءالله آن وقت هم زیاد دور نخواهد بود البته دراین‌باب بحث خواهم کرد ولی راجع باین مسئله قرارداد اجتماعی این را میخواهم بعرض‌برسانم وآن این‌است که‌انسان‌وقتی آزاد بود هرکاری میتواند بکند ولو تجاوز به غیریعنی‌در استفاده از آزادی اعمال او ممکن است صحیح نباشد وقبیح باشد وحقوق دیگران ضایع بشود. قرارداد اجتماعی این است که یك فردی باجامعه قرارداد می‌بندد که من ازیك مقدار از آزادی خودم صرفنظر میکنم ودر مقابل‌ازتویك حقوقی دریافت‌میکنم مالیات میدهم که‌دزد کلاهم‌رانبرد این مالیات دادن یك تکلیفی است منافی با آزادی ولی من ازاین مقدار آزادی صرفنظرمیکنم وآن پول‌رامیدهم ودر مقابل هم یك چیزی دریافت میکنم یعنی شخص به تنهائی نمیتوانست‌این‌موضوع‌راعملی بکند مکتب‌اجتماع این موضوع را حل میکند این‌اصل یك‌اصل منطقی است که انسان یك مقدار از نیروی خودش را بجامعه بدهد که جامعه پشتیبان او باشد وبسیاری‌ازحقوق بشری اوراحفظ کند وباقی باشد (احسنت).

نایب رئیس ـ پنج دقیقه دیگر از وقت آقای دشتی باقی است که باآقای عمیدی نوری تفویض شده بفرمائید.

عمیدی نوری ـ بنده چون افتخار حضور در مصاحبه های مطبوعاتی اعلیحضرت همایونی راهمیشه دارم‌وسؤالاتی که آنجا میشود اغلب در خاطرم هست و شرکت میکنم صلاح ندانستم در موقعیکه درمجلس شورای‌ملی‌مذاکره‌ای شده است راجع به وجود دوحزب و استنادی به مصاحبه مطبوعاتی اعلیحضرت همایونی شده واینطورگفته شده‌است که جز دو حزب کسی نمیتواند وکیل بشود باین جهت صلاح دانستم برای روشن شدن ذهن نمایندگان و ضبطدر صورت جلسه متن جواب اعلیحضرت همایونی را در این موضوع عیناً اینجا قرائت کنم آقایان کاملا توجه داشته باشند اعلیحضرت همایونی درمصاحبه مطبوعاتی اسفند۱۳۳۷ در پرسش یکی از روزنامه نویسان در جواب اینطور میفرمایند« گفتم که برای تکمیل‌دموکراسی دراین کشور می‌باید لااقل دوحزب سیاسی‌وجود داشته باشد که یکی‌بر سرکارباشد ودیگری حزب اقلیت راتشکیل دهد وقتی که مرامنامهٔ یك حزب برای همه روشن شد درانصورت کاندید این حزبی بمردم میگوید اگر مرا به مجلس بفرستید این برنامه را پشتیبانی میکنم و موضوع انتخابات از صورت امروزی خارج میشود وجنبهٔ اجتماعی پیدا میکند» بنظر من یك بیان جامعی است در هدایت جامعه به‌تعقیت روش مکتب اجتماعی وبالاخره همانطوریکه فرمودندراست‌است که حزب ممکن است نماینده جامعه نباشد اما این را هم تصدیق میفرمائید که از جنبهٔ انفرادی یك قدری خارج میشود وبه‌جنبهٔ اجتماعی‌ودنیای امروز که مکتب‌لیبرالیسم دارد منسوخ میشود وبصورت مکتب سوسیالیسم دنیا پیش میرود ما نمیتوانیم اصول فردی و شخصی را ازروا را ادامه بدهیم، باید سعی کنیم یواش یواش اجتماعی بشویم و در مرحلهٔ اجتماعی هم باید به مکتب حزب بپردازیم و بنده خیال میکنم به‌اینکه تا بحال این دوحزب هردونشان‌دادند که میخواهند این مکتب اجتماعی را توسعه بدهند من خیلی خوشوقت شدم که در ضمن مؤسسین حزب میلیون دیدم رهبرحزب ما که من هم افتخارعضویت حزب را دارم آمد از پشت تریبون‌حزبی گفت ـ من موقع انتخابات مثل همه جای دنیا میروم به سراسر کشور و راجع بمرام حزب ملیون بمردم تبلیغ میکنم میگویم این است مرام حزب ما من تصورمیکنم اینها قدمهای اجتماعی است یك روزی دراین مسلك ـ نخست‌وزیرمملکت طوری بود که آقایان مسبوقند و بنده خودم دیدم یك روزی هم توی روزنامه اوشتم اجازهٔ حضور بدیگران نمیداد یك صندلی برای خودش گذاشته بود بعضی از وزراء هم اینطور بودند که من ایراد به‌بعضی‌هایشان‌میگرفتم امروز مایواش یواش وارد این مکتب اجتماعی میشویم که نخست وزیر حزبی نخست‌وزیری که رهبریك حزبی است میاید باافراد عادی پهلوی‌هم می‌نشینند وبعدهم ازنظر انجام وظیفهٔ‌حزبی این حزفش را میزند این‌ارزش دارد ومن معتقدم دراین دو سالی که ما قدم حزبی برداشتیم خیلی مکتب اجتماعی ما

تفاوت کرده بنده فقط این را خواستم عرض کرده باشم که توجه داشته باشید که بهیچ وجه همچونظری نه اعلیحضرت همایونی فرمودند ونه دردولت فعلی چنین نظری هست البته همه کالدینا میشوند هر که بیشتر رأی آورد اوخواهد برد البته اجتماع متشکل‌تر است طبیعة فرد در مقابل اجتماع ضعیف‌تراست این بود عرایض من .

۳ ـ اعلام وصول لایحه اصلاحی اعزام محصلین بخارج از مجلس سنا

نایب‌رئیس ـ نطق‌های قبل از دستور تمام است وارد دستورمیشویم لایحهٔ مربوط به اعزام محصلین بخارج که با اصلاحاتی درمجلس سنا تصویب شده است رسیده است که به کمیسیون ارجاع میشود .

۴ ـ تقدیم یك فقره لایحه بوسیلهٔ آقای وزیر کشاورزی

نایب‌رئیس ـ آقای وزیر کشاورزی فرمایشی داشتید؟

وزیر کشاورزی (دکتر آموزگار) ـ چون دولت از توجه کامل وعلاقه آقایان نمایندگان محترم برای ساختمان سدهای درود زن وزرینه رود اطلاع داشت باین منظور لایحه طرح قراردادی که ازطریق تحصیل اعتبار ازشرکتهای خارجی تهیه شده تقدیم میکنم .

۵ ـ اعلام تصویب صورت مجلس

نایب‌رئیس ـ چون عده کافی است تصویب صورت مجلس اعلام میشود .

۶ ـ بقیهٔ مذاکره درشور اول کمیسیون برنامه راجع به تمدید مدت تقدیم لایحهٔ سازمان اساسی سازمان برنامه

نایب‌رئیس ـ بقیه شوراول مربوط به تشکیلات سازمان برنامه مطرح است . نوبت صحبت آقای صدر زاده است بفرمائید .

سراج حجازی ـ فوریت لایحه آقای وزیر بازرگانی را مطرح بفرمائید

نایب‌رئیس ـ بعد مطرح میشود .

صدرزاده ـ قبل ازاینکه واردبحث تفصیلی راجع باین لایحه‌ای که ازطرف سازمان برنامه پیشنهاد شده است بشوم یك تذکر قانونی بعرض مجلس میرسانم وآن این است که این قانون به‌استناد تبصرهٔ یك قانون دیگری که در ۲۶ بهمن‌ماه ۳۷ راجع به‌واگذاری اختیارات مدیرعامل سازمان برنامه ازتصویب مجلس گذشته است تقدیم شده . تبصرهٔ ۲ اینطوراست «دولت مکلف است ظرف ششماه ازتاریخ تصویب این قانون سازمان جدید برنامه ودستگاهی که باید برامور سازمان برنامه مخصوصاً امور مالی آن نظارت نماید ضمن لایحه‌ای تقدیم مجلس کند» آقایان سابقه دارند که دراین اواخر یك اعتراضات شدیدی نسبت بدستگاه برنامه میشد ومن همیشه این نگرانی را داشتم که این طوفان اعتراضاتی که برعلیه سازمان برنامه برخاسته است به‌آن نتیجه برسد که اصل موضوع سازمان برنامه را ازبین ببرد زیرا که من سازمان برنامه و فکر برنامه را یك فکر اساسی میدانم و معتقدم که مملکت ما احتیاج دارد باینکه یك دستگاه صحیح وسالمی باشد که بتواند طرحهای عمرانی و تولیدی بزرگ را اجرا کند واز تحولاتی که درهیئت دولت‌ها ممکن است پیش بیاید مصون بماند این اصل فکر را بنده قبول دارم وقتی این قانون امد قرارشد ظرف ششماه از تصویب این قانون یك سازمان جدیدی بیاورند ویکدستگاه جدیدی معین بکنند که بر امور مالی نظارت بکند ولی این قانون حکایت دارد براینکه این سازمان جدید برنامه واین قانون جدید و این سازمان جدیدی که میخواهند بدهند شامل دوره سوم برنامه خواهد شد که برای دوسال دیگر خواهد بود یعنی هر وقت این برنامه تمام شد چند ماه بعد یک برنامه‌ای برای دوره سوم برنامه شروع خواهد شد در صورتیکه دران قانون تکلیفی که برای دولت معین شد از نظر باقیمانده مدت این دوره بود گفتیم برای اینکه رفع پاره‌ای اعتراضات بشود و این سازمان بتواند بهتر از سابق کارخودش را انجام‌بدهد محتاج اصلاحاتی است ولی متأسفانه این قانون فعلی بکلی راه را عوض کرده است یعنی راجع به سازمان فعلی هیچ نظری نداده است که بچه کیفیت اصلاح بکنند فقط میخواهد قانونی تصویب بکنند برای دوره سوم درصورتیکه هنوز دوره سوم نشده مدتها وقت لازم دارد البته هروقت نسبت به دوره سوم دولت مطالعاتش تمام شد بیاورند اجباراً قانونی که دولت باید ظرف ششماه لایحهٔ آن را بیاورد ودولت مکلف برای این سازمان فعلی بوده است که این را اصلاح بکند این اصل مطلب است که ازنظر قانونی بایستی بان توجه داشت که ما در ضمن قانون چه تکلیفی بدولت کرده‌ایم واین چیزی که دولت در مقابل آن تعهد سپرده چیست آنچه که بدولت تکلیف کرده‌ایم این است که گفتیم ظرف ششماه ازتاریخ تصویب این قانون سازمان جدید برنامه ودستگاهی که باید به امور سازمان مخصوصاً امورمالی آن نظارت نماید ضمن لایحه‌ای تقدیم مجلس نماید این آنچیزی بود که ما از دولت خواستیم آنچه که دولت آورده‌است این است که مینویسد «دولت مکلف است تامهر مامسال چهل قانون تشکیلات جدیدسازمان برنامه وبرنامه

عملیات عمرانی که میباید متعاقب عملیات عمرانی هفت ساله دوم صورت بپذیرد باتعیین مدت واعتباراتی که برای انجام آن ضرورت دارد تقدیم مجلس نماید» یعنی درست غیراز آن چیزی است که ما خواستیم این قانونی که مجلس مکلف کرد بیاورد لیست این برای دوره سوم است نه برای باقیمانده دوره دوم درصورتیکه آن تبصره وتکلیف مجلس ناظر بهمین دوره دوم بود که ازهمین حالا مخصوصاً گفتیم که ضرر را ازهرجا که جلوش را بگیرید نفع است برای مدت باقیمانده برای این دوسالی که باقیمانده این اصلاحات را که لازم است بکنید که وضع سابق تغییر بکند این اصل واساس مطلب بود که خواستم عوض کنم حالا اگر بخواهید نظر دیگری اتخاذ بکنید بنده عرضی ندارم ولی مفاد قانون مدلولش این است حالا میخواهید جور دیگر تعبیر بکنید خود میدانید امّا راجع به خود این سازمان واصلاحاتی که لازم است بشود بنده عرض میکنم سازمان برنامه اقداماتی کرده اگر ما بخواهیم آن اقدامات را نادیده بگیریم حکایت رادیو مسکو است که پل خرمشهر را نادیده گرفته است و این کمال بی انصافی است کارهائی شده است حتماً کارهائی شده واین جناب مهندس خسروهدایت که دراینجا نشسته‌اند سهم عمده‌ای در این کار ها که شده است دارند دیگران هم دارند انسان نباید حقوق و خدمات اشخاص را نادیده بگیرد البته عیب‌هائی هم درکار هست خود آقای ابتهاج هم یك کاری کرد من یك روز مخصوصاً تمجید کردم و الان هم میکنم امروز برسر کار نیست اگر من امروز صحبت میکنم و تمجید میکنم مجامله نیست من خریدار بازار بی رونقم گاهی اینکار را میکنم ایشان یك کار بسیار خوبی که کردند این بود که حساب سازمان برنامه را از آن یك ریال تا آن میلیون‌ها ریالی که صرف هزینه میشد فرق نمیکند صورت آن را در اختیار مردم میگذاشتند اینکار بسیار صحیحی بوده است ویك مقداری از اعتراضات هم که بایشان متوجه شد بواسطه همین صورت ها بود یعنی معلوم نبوده شاید که در دوره اول سازمان برنامه درآن دوره تمام کارها صددرصد صحیح بوده یاشاید صحیح نبوده اما آن وقت صورت حسابی درنمیآمده واینطور نبود که هرهفته یك صورت حساب بیاورند ولی متأسفانه دریکی از گزارشهای هفتگی خواندم ومن دراین مجلس تذکر دادم ومتشکرم از آقای مهندس هدایت که این گزارش که بعداً دادند متضمن آن صورت بود ومعلوم شد که ۴۹ میلیارد ریال تا کنون پول گرفته شده است و صرف اینکار ها شده است پس بنا براین برای اینکه بنده یك سخنگو و گوینده نابحقی نباشم اعتراف میکنم که سازمان برنامه چه در دوره اول خودش چه در دوره دوم خدماتی انجام داده واینها را نباید نادیده گرفت امّا یك معایب ونواقصی هم داشت اولا اینکه دراین خرجهائی که شده است رعایت عدالت اجتماعی که این روزها خیلی باب شده وزیاد میگویند نشده چون این عایدات نفت متعلق به تمام ملت ایران است وباید صرف تمام ملت ایران بشود ما می‌بینیم دریك نقاطی ارقام بسیار بسیار زیادی خرج شده ودر یك نقاطی نشده مثلا فرض بفرمائید در همین تهران فرودگاه مهرآباد ساخته‌شده است لازم هم بوده‌است کارخانه چیت‌سازی ساخته‌شده سدکرج ساخته شده وبسیارچیزهای دیگر امّا مثلا بلوچستان وسیستان آنجا که دیگر شیراز نیست که من تعصب وطنی داشته باشم از نقاط این مملکت است آنجاهم سهمی ببرده بنده نمیگویم که مشابه فرودگاه مهرآباد را درسیستان درست بکنند نه فرودگاه مهرآباد جایش اینجا است امّا آنجا احتیاجات دیگری دارد که باید بآن احتیاجات هم توجه کرد ورفع کرد همینطور آذربایجان کرمانشاه وهمینطور فارس ودیگر جاها آن عدالت اجتماعی وقتی بموقع اجرا درخواهد آمد که نسبت بدهد این نقاط به تناسب استعدادهائی که دارند توجه شود مثلا فارس استعداد راه آهن دارد وباید انجام شود این یك مطلب بود که میخواستم عرض کنم در برنامه دوم جناب آقای مهندس خسروهدایت به‌این دفاتر مربوطه سازمانیتان زحمت بدهید که یك صورتی تهیه کنند که از این چندین میلیارد پولی که از نفت بیرون آمده معیّن کنند که در هراستانی چقدر خرج شده ویک صورتی بدهند تامعلوم بشود استانهائی که بتناسب جمعیت واستعدادشان استفاده نکرده اند کدام هستند تادربرنامه سوم جبران بشود این یك مطلب اساسی مطلب دوم این است که قرض‌ها دارد کم کم زیاد میشود قرضهائی که سازمان برنامه میکند کم کم زیاد میشود در این مسئله قرض دو نکته باید رعایت بشود یکی این است که البته ما وقتی احتیاجاتی داریم میتوانیم یك مقداری قرض بکنیم وباقساط طویل‌المدت بعدها بپردازیم ولی دو نکته اساسی را باید رعایت کرد یکی اینکه تمام فشار را برروی دوش نسل حاضر نباید گذاشت ولی درعین حال باید مراقب بود که تمام فشار را برروی دوش نسل آینده هم بگذاریم که امروز پولی بگیریم ویك ساختمانی بکنیم ونسل آینده را زیر بار یك قرض بسیار سنگینی بگذاریم بعلاوه یك نکته دیگری هم هست که سالهای آتیه

اقساط قروض میرسد که اقساط آن را باید بدهیم و آنوقت ارقام کمتری ازعایدات نفت برایمان میماند که اگر بخواهم کار کنیم و یك همچو کاری انجام بدهیم باز باید قرض بکنیم اینکار معایبی دارد مطلب دیگری که میخواهم عرض کنم یك قسمت کارهائی هست که سازمان برنامه اگر دخالت نکند بهتر است مثلا برق فلان بخش این چه ربطی به سازمان برنامه دارد سازمان برنامه لطف کند آن مقدار پول که از نفت میخواهیم آن بخش اختصاص بدهد به بخشداری استانداری یا شهرداری رجوع بکند آنها خودشان اینکارهای جزئی را انجام میدهند که ازطول قدش هم مردم ناراحت نمیشوند سازمان برنامه کارهای کلی ومهم را مثل همین سدد زو نظایر آن اینهارا دراختیار بگیرد وانجام بدهد که هم مجبور نباشد وقتش را صرف اینکارهای کوچك بکند وهم از آن کارهای بزرگتر باز نماند الان بنده دراینجا کارهای سازمان برنامه را نگاه میکردم یکی از کارهائی که داشته ذوب آهن بوده همه میدانیم که درمورد ذوب آهن سازمان برنامه کاری نکرده دستگاه دیگری میکند (صارمی ـ سازمان برنامه پولهائی خرج کرده) ولی خوب به نتیجه نرسیدند هم در برنامه اولی بود هم در برنامه دوم ۷ سال برنامه اول بود و پنجسال از برنامهٔ دوم گذشته که میشود ۱۲ سال خیال میکنم ۱۲ سال برای تعیین تکلیف کارخانه ذوب آهن وقت کافی بود پس وقت تلف شده یا همین سد درود زن که الان جناب آقای وزیر کشاورزی قرارداد آن را آوردند واقعاً موجب مسرت نمایندگان واهالی فارس خواهد بود اینهم جزو برنامه بود ولی نسبت باین کاری نشده و بسیاری از مسائل دیگر که میخواهم نتیجه بگیرم که نوشته شده بود این سازمان برنامه یك اموری را که در این قانون نیست باید عمل بکند اگر میتوانسته است درظرف این مدت انجام بدهد باید همه اینها را بموازات هم انجام میداد نه اینکه فقط دو تا سه تا چهارتا و بعضی‌هایش بشود و اگر نمیتوانسته انجام بدهد معلوم میشود مطالعات اولیهٔ آنها ناقص بوده است و بیك مدتی که ظرفیت برای انجام آن کارها نداشته است برای این کارها در نظر گرفته اند این موضوع خودش قابل بحث و دقت است پس لطف بفرمائید که در این برنامه موقتی که میخواهید بنویسید این معایب و نقائص را نداشته باشد یعنی کاررا به تناسب پول و به تناسب احتیاجات مملکت معین کنید مطلب دیگری که میخواستم عرض کنم راجع به تبصره ۲ است که مینویسد مدت انجام وظیفه (عمیدی نوری ـ صحیح است) بنده هنوز چیزی عرض نکرده‌ام که جنابعالی میفرمائید صحیح است (عمیدی نوری ـ بنده‌هم نظر جنابعالی‌را دارم و میدانم) بلی مینویسد « مدت انجام وظیفه هیأت نظارت فعلی تا پایان دورهٔ ۷ ساله مهرماه ۴۱ از تاریخ انقضاء تمدید میشود » عرض کنم ما اینجا یك قانونی گذراندیم و قرار گذاشتیم براینکه از طرف مجلس شورای ملی یك عده نظار باشند در سازمان برنامه و مدت خدمت آنهاراهم معین کردیم که دوسال باشد آنها اعمال سازمان را نظارت کنند و بعد از اینکه این مدت تمام شد دومرتبه یك عده‌ای را به مجلس معرفی کنند البته من اعتراف میکنم اشخاصیکه باین سمت در دورهٔ گذشته برای سازمان برنامه انتخاب شدند و ظاهراً هنوزهم انجام وظیفه میکنند مردمانی بسیار شریف و محترمی بودند و هستند و مورد اعتماد و اعتبار اکثریت مجلس‌هم هستند اما قانون از همهٔ ما ارزشش بیشتر است این دوسال که تمام شد حق بود که سازمان برنامه و خود هیئت نظار اعلام بکنند که وقت ما تمام شده وبمجلس عرضه بدارند وچه بسا مجلس دومرتبه خود همان‌ها را بدون هیچگونه تغییری انتخاب بکنند این عدم اعتنای سازمان برنامه بمعرفی اشخاص من نمی‌خواهم بگویم تعمدی بوده تقصیر قانونی بوده است نه من اینطور بیان نمیکنم اما یك چیزی میگویم و آن این است که طوری که ما انتظار داشتیم احترام به قوانین نگذاشتند باید احترام بقوانین باشد خوب الان دولت طوری که بیان شد در اینجا اکثریت دارد وبا یك قیام و قعودی هم مطلب را تصویب خواهیم کرد حرفی نیست اما بین خودمان فراموش نشود که مراعات قانون نشده این روشی که ما احترام به قانون نگذاریم این روش‌را باید متروك بداریم باید خودمان شخصاً به قانون احترام بگذاریم آن کسی‌هم که حقوق میگیرد از صندوق دولت آنهم باید مراقب باشد که یك مجوز قانونی برای دریافت حقوق داشته باشد من میخواهم یك چیزی از گذشتگان بگویم که انشاءالله راهی برای همه ما باشد سرمشقی باشد من شنیدم در دوره ۱۴ که جناب آقای دولت آبادی هم تشریف داشتند من نبودم مرحوم حکیم‌الملك با ۷۵ رأی تمایل به نخست وزیری انتخاب شدند ولی روزی که رأی به برنامه‌اش دادند با ۲۵ رأی بود این خودش فصلی است که باید روی آن بحث کرد و شاید هم آن روش‌های نامناسب بود که آن سنت پسندیده رأی تمایل قبلی متروك ماند بهرحال وقتی که این مرد رأی نیاورد از مجلس که بیرون رفت اتومبیل دولتی‌را سوار نشد

و پیاده راه منزلش را در پیش گرفت و شاید یك نیم لیتری از حیث بنزین اتومبیل تفاوت عمل داشته که بپول آنروز شاید یك قران بیشتر ارزش نداشته است که او نخواسته است بدون مجوز قانونی حتی برای یکریال‌هم بخزانهٔ دولت تحمیل شود و یا وجهی بگیرد که مجوز نداشته باشد من امیدوارم که دوستان عزیز ما چه آنهائی که در سازمان برنامه هستند وموظف بودند که این آقایان‌را معرفی کنند وچه خود آقایان چه درحال وچه درآتیه همیشه این جهات قانونی‌را مراعات کنند مخصوصاً طبقهٔ فاضلهٔ مملکت که در رأس قرار دارند هرچه بیشتر احترام بقانون بکنند تاسبب شود که این احترام درآحاد و افراد مملکت همیشه رعایت گردد این عملی که در راه کج واقع شد و رانندگان آقایان وزراءرا جریمه کردند و جریمه گرفتند من خیلی خوشوقت شدم از این عمل راهنمائی خوب کاری کردند تا سایرمردم‌هم بدانند قانون محترم است وحتی میشود درمورد رانندهٔ آقای نخست وزیر و وزیرهم قانون و مقررات را اجرا کرد وخود آقایان‌هم تسلیم شدند وقبول کردند واین عمل‌را باید درتمام شئون مملکت تسری داد همه باید عادت کنند باجرای قانون و رعایت آنرا بنمایند من بیشتر در این‌خصوص صحبت نمیکنم چون ممکن‌است موجب رنجش دوستان شود .

نایب رئیس ـ آقای عمیدی نوری مخالفید (عمیدی نوری ـ مخالفم) آقای صارمی مخالفید ؟ (صارمی ـ مخالفم) آقای عمیدی نوری بفرمائید .

عمیدی نوری ـ برای توجه جناب آقای مهندس خسرو هدایت نمایندهٔ دولت و مخصوصاً جناب آقای دکتر کیان این نکته را عرض میکنم که اگر این ماده بهمین شکل بگذرد تصور میکنم باز ما گرفتار یك اختلاف عقیده‌ای با مجلس سنا خواهیم شد چون هنوز آن اختلاف عقیده حل نشده راجع به مکلف است در یکی از روزنامه ها راجع به لطق آقای تقی‌زاده خواندم که راجع بمکلف است تفسیر شده بود و فرموده بودند که چطور میشود درقوانین مکلف را گذاشت ، دولت مجاز است که یك کاری را انجام بدهد (بعضی ازنمایندگان ـ درست‌نیست) این بیان آقای تقی‌زاده را میخواهم عرض کنم و بهمین جهت است که لایحهٔ اعزام محصل که مورد احتیاج کامل‌است مملکت و عدهٔ زیادی از دانشجویان شاگرد اول مدارس چند سال است که باید تکلیفشان روشن بشود واعزام بشوند بخارج سرهمین‌حرفها مانده است برای اینکه لایحه‌ای که مجلس سنا تهیه کرد در آنجا مجاز است گذاشته شده بود وما دیدیم که با این کلمهٔ مجاز است ممکن است خاصه خرجی بشود بعضی‌ها را وزارت فرهنگ اعزام بکنند و بعضی‌هارا اعزام نکنند بنده خودم در کمیسیون پافشاری کردم و بالاخره آقای دکتر مهران موافقت کردند تازه خود آقای دکتر مهران در موقعی که این لایحه دولت‌را تقدیم کردند کلمه مکلف است گذاشته بودند بعد که رفت بمجلس سنا مجاز است شد و دومرتبه ما در کمیسیون فرهنگ مکلف‌است کردیم مجلس شورای ملی‌هم تصویب کرد و تا بحال‌هم در مجلس‌سنا است و سبب اختلاف اصلی بین مجلس شورای ملی ومجلس‌سنا راجع بکلمهٔ مکلف است میباشد و من در مذاکرات مجلس سنا و در روزنامه ها خواندم و حالاهم در این مادهٔ واحده باین کلمهٔ مکلف است برمیخوریم وخاطرم میآید درموقعی که مرتبه قبل در اینجا مطرح بود جناب آقای طباطبائی توجیه کردند این‌مطلب‌را و گفتند دولت اولا خودش برای خودش مکلف نباید بیاورد که من مکلفم که این کار را فلان روز انجام بدهم این کاری‌را که مجلس کرد خاطر آقایان هست وقتی که لایحه‌اش آمد اینجا چنین قیدی نبود و از طرف مجلس شورای ملی این تکلیف بدولت شد که دولت مکلف است درمدت معینی تجدیدنظری در کارهای سازمان برنامه بکند بیاورد بمجلس حالا دولت بیك دلایلی دریك مدت معینی یا نتوانست یا وقتش کافی برای مطالعات نبود که این کاررا انجام بدهد حالا که این کاررا انجام نداد این نبایستی وسیله بشود که‌خود دولت عدم انجام کارش‌را بموجب مادهٔ واحده‌ای بیاید بگوید مجلس شورایملی تصویب کن که من مکلفم تا یکسال دیگر این لایحه‌را بیاورم اولاخود این عمل ازشأن قانونگذاری وطرز قانون‌نویسی مجلس شورایملی دور است که دولت این لایحه‌را باین‌شکل بیاورد بعقیده‌بنده دولت فقط میباید اگر فقط از طرف مجلس شورایملی سؤال شد که چرا شما این مکلف را انجام ندادید بگوید باین دلایل انجام ندادم اماخودش یك لایحه بیاورد که من مکلفم این کاررا درظرف یکسال دیگر بکنم یکسال دیگرهم این کار را انجام ندادم آنوقت بازیك لایحه ای بیاورد که من مکلفم یکسال دیگر تجدید کنم اصلا من نمیدانم که چه حاجتی هست برای این ماده واحد که دولت مکلف است تا مهر ماه ۴۰ ، قانون تشکیلات جدید سازمان‌برنامه را بیاورد والبته جمله ای هم‌هست بعدش که برنامه‌عملیات عمرانی که میآید متعاقبش عملیات‌عمرانی ۷ساله صورت پذیرد این‌هم یك جملهٔ

دیگری است دوتا شد یکی تشکیلات جدید را بدهد یکی برنامه عملیات عمرانی را ، بنده نمیدانم این برنامه عمرانی چیست اگر همین عملیاتی است که حالا ما در برنامه دوم هستیم و تصویب شده یا منظور آن برنامه سوم بوده است که مشغول مطالعه آن هستند که این دیگر تکلیفی نمیخواهد وقتی که زمان برنامه دوم گذشت کارش انجام شد بسته به اعتبارات و مقدورات و موجودیها است چون الان مدتی است که سازمان برنامه مشغول مطالعه است اخبارش را در مطبوعات میخوانیم و امیدوارم که اقلا روح واساس برنامهٔ سوم تا حدی بیشتر موافق احتیاجات فوری ونتایجی که عاید بیشتر مردم بشود بسوی آن هدف تمایل پیدا کند و این انتظار میرود یکی از تجربه های اجرای برنامه دوم همین باشد وقطعاً خود دولت توجه دارد این کاری نیست که تکلیف داشته باشد مخصوصاً اینکه تکلیف مدت ندارد مدت راجع بجمله اول است که مکلف است تا مهر ماه ۴۰ قانون تشکیلات را بدهد واما آیا این تکلیف ناظر برنامهٔ سوم هم هست یعنی تا مهرماه هم باید برنامه سوم را هم بدهند پس تا مهرماه مکلف است برنامه سوم را بدهد شاید نتوانند چون برنامه سوم مربوط به بودجه و اعتبارات مربوط بنفت و اعتبارات دیگری است شاید مطالعات بیشتری لازم داشته باشد تا آن موقع هم بنده نمیدانم قطعاً برنامه ۷ ساله دوم تمام میشود آنوقت قبل از گذشت آن در مهر ماه ۴۰ شما مکلف میشوید برنامه ۷ سالهٔ سال سوم را بیاورید اگر منظورتان این است که بنظر بنده خیلی خوبست و این تکلیف باعث میشود که روی برنامه سوم ازحالا مطالعه بکنید اما راجع به قانون تشکیلات جدید این اشکال را بنده عرض کردم و این بحث بین مجلسین را هم تذکر دادم که تکلیف این کار معلوم بشود و کارها عقب نماند چون منظور آقایان سرعت کار است وبهرحال چون بسنا هم میرود دنبال آن کلمه مکلف است نکنند که دراین جاهم گرفتار این کار درقسمت اصل موضوع بشویم درقسمت تبصره یك اجازه ای بدولت داده میشود درحالی که دو سال از مدت برنامهٔ ۷ ساله دوم وقت باقی است که در فصول اعتبارات ۴ گانه میتواند یك تغییر وتبدیلی بدهد بنده نمیدانم حکمت این کار چیست معنی برنامهٔ این است که قبل ازاین که بمرحلهٔ اجرا دربیاید مطالعه بشود اعتباراتش تعیین بشود موضوعش تعیین شود واین کارها تاپایان برنامه انجام شود اصل برنامهٔ این است اما حالا ۵ سال از یك برنامه ای گذشته باشد ودو سال باقی باشد اجازه داده بشود که در اعتبار فصول چهار گانه نه در کلش در جزء هایش در اعتبارات تغییر وتبدیل هائی داده بشود این کار آیا معنایش این نیست که ما چندان اعتقادی به برنامه های خودمان نداریم در حالی که برنامه معنایش آن است وقتی امری اتخاذ شد قبول شد قانون شد باید آن امر انجام شود خصوصاً این که معمول برنامه ای عمرانی در کشور های مترقی یا در کشور هائی که در حال توسعه هستند تعیین یك هدفی است یعنی میخواهد معلوم کند فرض کنید هندوستان میگوید چون من در مضیقهٔ خواربار هستم کشور من ۴۰۰ ۵۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد ۸۰ میلیون تن فعلا گندم و خواربار بیشتر ندارم واین مقدار کافی برای ارتزاق جمعیت ما نیست هدف ما این است که این ۸۰ میلیون تن را به ۱۰۰ تن برسانیم در اینصورت آن برنامه باید انجام بشود در برنامهٔ هفت سالهٔ دوم ما گرچه این هدف نبود واعتراضات بنده هم در کمیسیون وهم درمجلس همین بود که این مدت بتوانیم در اجرای قدرت تولید و جلوگیری از افزایش و واردات این کارها را بکنیم ولی رقم بما ندادند که قدرت تولید ما چیست و بعد ازاجرای برنامه دوم قدرت ما چه خواهد شد البته امیدوارم که برنامهٔ سوم که جناب آقای خسرو هدایت مطالعات بیشتری هم دارند و این نرمشی که در ایشان هست که بیشتر بمذاکرات توجه میفرمایند برنامهٔ سوم را بیك همچو هدفی برسانند که لااقل موجودیهای ماقبل از برنامهٔ سوم ازنظر قدرتهای تولیدی اعم ازکشاورزی وصنعتی را بریك اساسی نشان بدهند که این است قدرتهای ما وبااجرای برنامهٔ سوم ما این کارها را میخواهیم بکنیم تامعلوم شود که در پایان برنامهٔ سوم چه کاری شده وچه نشده ، وتکلیف مملکت معلوم شود در برنامهٔ دوم من تصدیق دارم چون آن هدفها نبوده میشود این تغییرات را داد اما این تغییرات برچه اساسی است و بچه منظوری است بنده نمیدانم من آنچه اطلاع دارم ازنظر اطلاعی که ازشهرستانهای مازندران دارم میدانم که کارهای عمرانی شهرستانها لنگ است من برای کارهای عمرانی ۵ شهر مازندران خدمت جناب آقای مهندس هدایت هم عرض کردم قرار بود که تحقیق هم بفرمایند قرارداد برق آنها مدتی است بسته شده پنجاه درصدی هم که بایستی شهرداری ها بپردازند پرداخته اند اما از برق خبری نیست بمقاطعه کار مربوط مراجعه میکنند میگوید که بمن پول داده نشده شهرهای چالوس ـ عباس آباد محمودآباد ـ علمده ـ فریدون کنار شهرهائی است که بما مراجعه کردند شرکتی که بااو قرارداد بسته شده است شرکت

احداث است ولی این آقای شرکت احداث نیامده اقدام کند شهرداریهای آنجاها بشرکت احداث مراجعه کرده اند جواب داده است که سازمان برنامه بما پول نداده بنده میخواهم به ببینم این تجدید نظری که این جا اجازه میگیرند روی چه هدفی است اگر بسوی هدف اینگونه امور اصلاحی است که آناً نتیجهٔ آن بر میگردد بسوی مردم دریك جائی که احتیاجات فوری دارند مثل برق و آب و امروز حتی در کشورهای خاورمیانه این امر حل شده که اگر فرض کنید در بیروت یا در دمشق یك کسی میخواهد خانه بسازد سه مسأله برای او حل شده است آب وبرق و تلفن و اگر کسی ده یك خرج ساختمان را داشت شرکتهای ساختمانی برای او خانه میسازند ومیدهند بهمین جهت استفاده ازخانه هایشان خیلی زود انجام میشود وماهنوز گرفتار مشکل مسکن هستیم و البته وزارتخانه ای هم تشکیل خواهد شد بنام وزارتخانه مسکن درحالی که بنظر بنده اگر اینگونه مسائل راحل کنیم موضوع مسکن حل میشود بنده دیروز ضمن اخبار گزارش هیئات دولت در تربت حیدریه واقعاً مطلب خیلی مسرت بخشی را شنیدم که شهر تربت ۷ هزار پروانه ساختمان گرفته در ظرف یکسال که خانه بسازد خوب این قدرت مردم را میرساند که توانسته اند این کار ها را بکنند اما چرا اینکار شد ؟ دولت بهشان پول داد کارخانه قند گذاشته چغندر کاری کردند پول زیاد شد پول که پیدا کردند ۷ هزار خانه میسازند حال اینگونه مشکلات اجتماعی را بایستی رفت امکانات آنرا درنظر گرفت ومعایبش را حل کرد خودمردم کارشان را میکنند بنابراین بنده معتقدم شما برق را بهرکس بدهید میرود خانه میسازد واینکار در تهران و شهرستان ها هست شما در یك شهرستان برق بدهید خود مردم میروند خانه میسازند بنده اگر حوصله میکردم باین پرداختی های سازمان برنامه که صورت آن هفتگی منتشر میشود نگاه میکردم یاتطبیق میکردم باآن اصولی که کادر برنامه دوم بود میدیدم البته این یکسال اخیررا عرض نمیکنم ولی قبل از آن یکسال انحرافاتی ازنظر اعتبارات مربوط بفصول خودش بود که قطعاً آقایانی که در کمیسیون برنامه هستند باین مطلب توجه کرده اند ما اگر باین مطلب توجه کنیم واین حساب را برسیم تصدیق خواهید فرمود که آن اعتبارات مصوبی که برای شهرسازی وکارهای عمرانی برای شهرها هست همه اش خرج نشده ، بنده حدس میزنم خیال میکنم که قسمتی از آنها بمصارف اعتبارات دیگری رسیده وبالنتیجه شهرستان های ما که از طرفی عواید شهرداری را در اختیار سازمان برنامه گذاشته هم کارهای شهرداری خودشان لنگ است و هم کار آب و برق آنها باین کیفیت مانده حالا اگر در این تجدید نظری که دراین جا اجازه داده میشود آقای مهندس هدایت لااقل این اطمینان را بفرمایند که اعتبارات شهر سازی ازلحاظ آب و برق مقدم باشد و آنچه تعهد شده یا لااقل تا امروز وجوه آنرا بپردازند وازفصول دیگر کم کنند بنده این کار را یك کار صحیحی میدانم وباین جهت هم یك پیشنهادی تهیه کرده ام که تبصره ای در اینجا اضافه شود و چون حسن نیتشان را میدانم امیدوارم همانطور که به بنده فرمودند ما میخواهیم بیشتر بشهرسازی توجه کنیم اینکار را قبول کنند ودراین صورت تاحدی این اشکال تبصره رفع شود در تبصره ۲ هم بنده بهمان عقیدهٔ اصولی خودم باقی هستم در حالی که بنده صریحاً عرض کردم بین آقایانی که اکنون عضو هیأت نظارت هستند اگر همین آقایان را دولت پیشنهاد کند با اینکه باید بارأی مخفی باشد من بهشان علناً رأی میدهم حالا بااین کیفیت این چه اصراری است که ما بیائیم این حقوق مسلم قوه مقنّنه را که درجلسه گذشته آن جلسه پر حرارت و گرم در اینجا تشکیل شد آن بیانات جناب آقای خلعتبری و جناب آقای دولت آبادی جناب آقای تیمورتاش وهمه اش ازقدرت قوه مقنّنه واحترام نسبت بآن بوده خوب ما این ها را یکی یکی فراموش کنیم هی اجازه بکمیسیون هی اختیار به تمدیدها برای چیست بنده نمیدانم چه مانعی برای دولت دارد که آن لیست را تهیه کند بیاورد وماهم بارأی مخفی همین آقایان را انتخاب کنیم چرا این کاری که درشأن مجلس ودولت وآنهم مجلس ودولتی که در راه دمکراسی میخواهند قدمهای ثابت تری بردارند چرا این کار را نمیکند بعد یك تبصره ای میآورند وبنده هم شنیدم که دولت آورده بود برای مدت یکسال رفقای کمیسیون برنامه تفضل فرمودند سه سالش کردند چرا ؟ این چه کاری است ؟ بلی بنده شنیدم (صدر زاده ـ عجب) از یکی از آقایان شنیدم که دولت تا یکسال آورده بود آقایان کردند سه سال تا پایان برنامهٔ ۷ ساله دوم نفهمیدم اینکار چه فلسفه ای دارد جز تضعیف مجلس که بعقیده بنده مصلحت نیست وتمنی میکنم ازآقای مهندس خسروهدایت این تبصره را حذف بفرمایند و لایحه اش را بیاورند فوراً ما رأی خواهیم داد ، این بود عرایض بنده راجع باین تبصره

نایب رئیس ـ آقای دولت آبادی بفرمائید .

دولت آبادی ـ لایحه شماره ۱۳۷۱۸ دولت که در

کمیسیون صلاحیتدار سازمان برنامه مجلس شورایملی مورد رسیدگی قرار گرفته است و برای تصویب بمجلس شورای ملی آمده است محتوی مطالبی است که در اطراف آن همکاران عزیز وارجمند بنده خصوصاً جناب آقای صدرزاده وهمین جناب آقای عمیدی نوری مطالبی را بیان فرمودند وبخصوص جناب آقای صدرزاده راجع به پیشرفتها واقداماتی که در دو دوره سازمان برنامه شده است منصفانه اقرار کردند که خدماتی شده همانطور که نواقص هم داشته است آنچه هم که خوددولت ومتصدیان امر تاامروز گفته‌اند هم ازخدمات گفته‌اند هم‌از آن قسمتهائی که نواقصی داشته است وقصوری شده است دفاع نکرده‌اند و گفته‌اند که درمقام جبران آن هستیم چنانچه در چند جلسهٔ پیش عرض کردم اگر در سازمان برنامه یایکی ازدستگاههای دولتی خبطی ناروائی نادرستی پیش آمده است این بحث ها برای این است که خاطیان را بیاورند مجازات بدهند اما آنچه که خدمت شده است جا دارد با دیدهٔ تحسین وتمجید تلقی شود نه با کوته نظری وعیب جوئی واین رویه انسان عاقل وخصوصاً محیط حقگذار مجلس باید باشد که بدکارهارابتندی وتلخی بکوبد وبایستد برای جبران وتدارك ومجازات خاطر وتیکی ها را هم بادقت و امعان نظر و انصاف بگوید و تحسین کند که حاصل آن تشویق خدمتگذار وتکدیر ومجازات خاطی باشد این حقیقت امر است یك منطقی است که من فکر نمیکنم هیچکس منکر آن باشد این جا بحث شد واشاره کردند جناب آقای صدرزاده باین که آنچه دراین مادهٔ واحده هست بامفاد قانونی که ما در مجلس تصویب کردیم اختلاف دارد همنطور هم هست اما خودشان اشاره فرمودند همین جناب آقای عمیدی نوری هم بیان کردند که تعهدی که دولت کرده بود و نتوانست درموعد خودش هم سازمان را بیاورد وهم نظرات قانونیش را بیاورد علتش این بود که کار آسانی نبود وبااطلاعاتی که بنده دارم ودقیقاً هم تحقیق کرده‌ام عرض میکنم که دولت تمام مساعی خودش را صرف کرد بدون فوت یکروز تادر مدت معینی سازمانی را بیاورد اما رسیدگی بکارهای جاری و گذشته تشخیص الزام ازلازم وهمچنین نقشه‌های آینده وتطبیق وضع موجود موجب دقت و رسیدگی بود تاهنگام تقدیم این لایحه که حالا تقدیم شده وتقدیم این لایحه هم برای تحصیل مجوّز واحترام بقانون واحترام بقوه مقننه بوده برخلاف تعبیری که شد نه برای فرار وتضعیف قانون زیرا اگر دولت کاری را نتوانست انجام بدهد در موعد خودش انصاف وحق گذاری ودرستی ایجاب میکند که بیاید درمجلس بگوید که من دراین مدت نتوانستم آنچه را که میخواستید وشایسته مملکت است تدارك کنم وبمجلس شورایملی بدهم بنا بر این از شما کسب اجازه میکنم که درمدت متناسبی بیایم این وظیفه را انجام بدهم آنچه من اطلاع دارم واستنباط میکنم ومیدانم اینست و مطلبی خارج ازاین نیست و امّا نسبت بکارهائی که شده ومجال نشد عرض کنم یك بازدیدی که در شنبه گذشته برای بنده پیش آمد و در خدمت عده زیادی از آقایان برای بازدید سدّ دز ومزرعه نیشکر بودم اطمینان میدهم بآقایان آنچهٔ که آقایانی که تشریف برده اند دیده اند و آنهائی که نرفته اند اکنون از بنده بشنوید آن فعالیتی که در آنجا شده است در ایجاد سددز ومقدمات آن بسیار اساسی وبسیار با ارزش بوده ودر آبادانی خوزستان و آبادانی مملکت قدمهای مؤثری برداشته شده است همچنین راجع به تهیه مزارع نیشکر باز رفتم آنجا را دیدم ومن امیدوارم که دیری نپاید که ماخوزستان را ببرسانیم بآن سرحد طبیعی که شکرش در دنیا عنوانی داشته است که اسم شکر اهواز حتی در ادبیّات ماهم هست ودر تاریخ ما هم هست امیدواریم با این اقدامات بتوانیم شکر طبیعی را در آنجا به‌بینیم مقدار شکرش در اولین مرحله ۳۰هزار تن است این خدمتی است که آنجا شده است و بنده تقدیر میکنم ودر عین حال همه نواقص هم یکی یکی درپیش چشم نیست امیدوارم بمجازات خائنین وبه‌تنبیه متهمین توفیق پیدا کنند بنابراین بنده فکر میکنم که مجلس شورایملی که الان دریایان دوره بایستی تکلیف دولت را از نظر مقررات قانون یعنی که موظف است هرچه زودتر این اختیار را بجای بلا تکلیف قرار دادن بدست دولت بدهد که دولت بلاتکلیف نماند واز آن استفاده کند امّا راجع به هیئت نظار مطلبی که اینجا تذکر داده‌شد بسیار صحیح است حق این بود که این هیأت نظار بوقت خودش برطبق قانون بمجلس معرفی بشوند و مجلس هم آنها را انتخاب کند و من این حقیقت را بهش اعتراف و اقرار دارم امّا چه شده است که اینطور شده است غیر از قصوری که همکاران محترم و عزیز بنده تذکر دادید نکته دیگری هم بوده‌است و آن این است که در ماده‌ای که مربوط بانتخاب هیئت نظار است ما در پایان آن یك اختیاری دادیم و آن اختیار اینست که نوشته شده تاانتخاب ثانی عملیات آنها مصاب است یعنی ارزش قانونی دارد نمیتوانیم که این اختیار را هم ندهیم امّا این موجب میشود که گاهگاهی کارهای لازمه این حق را از بین میبرد

در موقع خودش درك فضیلت نمیشود النهایه آنرا هم بنده حاضرم که اسمش را قصور بگذاریم ولی نمیتوانیم تعبیر کنیم به تقصیر زیرا که ممکن است کار لازمتری ایجاب کند وپیش آید که آن کار بتأخیر افتد امّا چون آقایان ضمن بیاناتشان اشاره کردند بفضیلت این افراد وبنده هم بفضیلت این افراد اقرار واعتقاد دارم وبر آن میخواهم اضافه کنم که کمیسیون برنامهٔ مجلس شورای ملی باین هیأت نظار که نمایندگان منتخب خودشان هستند بایستی اعتماد کنند وهمچنین خود مجلس شورای ملی با این هیأت نظار منتخب خودش تماس داشته باشد آنها را به کمیسیونها بخواهند و از آنها گزارش بخواهند تا آنها را زنده‌تر و ارزنده‌تر وفعالتر از آنچه هستند نگاهدارد بنا براین این قصور از هردوطرف شده امّا چون وقت گذشته است وچون درصلاحیت این افراد بوده معتقدند وبنده هم عقیده دارم که این آقایان افراد صالحی هستند و فرضاً تشریفاتی هم انجام نشده باشد چون در آن قانون ما اختیار داریم تاهستند اعمالشان قدرت قانونی خودش را دارد جا دارد که باز هم نه برای تقویت مجلس لااقل برای اعمال حاکمیت مجلس تصویب بکنیم که بکار خودشان ادامه بدهند.

نایب رئیس ـ آقای صارمی بفرمائید.

صارمی ـ بنده تقاضای صحبت کرده بودم باینکه در تبصره ۲ مخالفت خودم ودلایل مخالفت خودم را عرض کنم ولی دراینجا مذاکراتی شد که موجب خواهد شد که حتی بعنوان موافق نسبت بمادهٔ واحده و تبصره دو عرایضی را معروض بدارم صحبت اینست که دولت اجازه گرفت ازمجلس یانعیین تکلیف را برای او شد که درظرف مدتی قانون سازمان جدید را به مجلس تقدیم بدارد در ظرف این مدت توفیق حاصل نشد چون دولت رعایت احترام قانون را مینماید همینطور برای حفظ احترام قانون مصوب قبلی آمد از مجلس کسب اجازه بکند که این مدت تمدید شود بنا براین تحصیل مجوّز خود دلیل بر این است که نسبت بقانونی که تکلیفی برای دولت معلوم شده است حالا توفیق پیدا نکرده ومجوّز جدیدی از مجلس میخواهد که موافقت شود و بعقیدهٔ من این مادهٔ واحده هم بد تنظیم نشده است زیرا وضع سازمان بایستی متناسب باشد با آن چیزی که درآتیه میخواهیم انجام بدهیم یعنی برنامه بعدی را به بینیم چه مواردی را بایستی اجرا کنیم چه سازمان تناسب با آن برنامه بعدی بایستی داشته باشیم وآنرا بمجلس تقدیم بکنیم بنا براین در مادهٔ واحده بعقیدهٔ بنده اشکالی وجود ندارد و تصویبش هم رویهمرفته موافق باروح قانون اساسی وقانونگذاری خواهد بود حالا دیگر اگر کلمه مکلف را فکر کردید ایجاد اختلاف نمیکند اصلاح بکنید که بتواند اشکال را از بین برد ولی راجع به تبصره ۱ بنده عرایضی دارم و با تصویب این تبصره باین نحو مخالف خواهم بود زیرا بعقیدهٔ بنده نظارت درجمع وخرج دربودجه هرقسمت ازسازمانهای کشوری از وظایف اختصاصی مجلس شورای ملی است حتی تصریحاتی که در قانون اساسی وجود دارد قابل بحث و تذکر نیست دراصل ۱۸ می گوید «جرح وتعدیل وتغییر دربودجه هم بایستی با تصویب مجلس شورایملی باشد وبا این نظر بایك قدری مسامحه قانون سازمان برنامه گذشته باین معنی که گفتند باین که فصول را تعیین کنند واعتبارات سازمان برنامه بفصول مختلفه تقسیم شده است فقط اختیار بکمیسیون سازمان برنامه داده شد که از بندی به بند دیگر تا ۲۰ درصد را میتواند تغییر بدهد بنابراین قانون سازمان برنامه وهزینه‌هائی که بایستی در فصول مختلفه بشود بتصویب مجلس رسیده و تقریباً کمیسیون سازمان برنامه را قائم مقام کمیسیون بودجه مجلس معین کردند و گفتند انتقال از بندی ازاعتبارات به بند دیگر با تصویب کمیسیون سازمان برنامه انجام می گیرد و آنهم با شروط وقیودی ولی حالا میآئیم اینجا می گوئیم باینکه کمیسیون شرکت سازمان برنامه میتواند اعتبارات همان فصول را که درقانون اساسی ازوظایف مجلس دانسته است همان فصولی را که مجلس طبق قانون سابق تصویب کرده است کمیسیون مشترك برنامه میتواند همان را تغییر بدهد بعقیده بنده دادن این اختیار به کمیسیون شرکت سازمان برنامه برخلاف اصول قانون اساسی است و ما نمیتوانیم تنظیم بودجه میلیونها ریال را بعهده کمیسیون سازمان مشترك برنامه قبول کنیم خاصه که کمیسیون مشترك که در این قانون قید شده است بعبارت دیگر کمیسیون که از آقایان سناتورها هم تشکیل شده آن آقایان در امر بودجه میتوانند فقط اظهار نظر بکنند اظهار نظر مشورتی نه اظهار نظر استصوابی وتصویبی وباین ترتیب در کلیه ارقام بودجه جناب آقای مهندس هدایت که این را هم خود آقایان سناتورها قبول دارند ودراین مورد بخصوص هم عدول نکردند یا تغییری برایش درست نکردند خود سناتورها معتقدند که تصویب بودجه از وظائف اختصاصی مجلس شورایملی است و آنها هم میتوانند نظر مشورتی بدهند پس شما چنانچه میخواهید بودجه سازمان برنامه را تغییر بدهید بودجه جدیدی تنظیم کنید کمیسیون مشترك سازمان برنامه مطابق قانون اساسی

نمیتواند رسیدگی کند بلکه از وظایف اختصاصی مجلس شورایملی است بعد هم اگر بگوئید که کمیسیون مشترك این کار را بکند آقایان سناتورها فقط حق نظر مشورتی دارند نه این که حق نظر تصویبی و نظریه استصوابی دراین مورد داشته باشند در هر حال من معتقد نیستم باین که اختیار دادن و احاله اختیارات مجلس خاصه در امور مهم بکمیسیون‌های مجلس درست نیست و در این مورد مکرر بنده اینجا عرض کرده‌ام تکرار هم میکنم که حق نداریم این اختیارات که بایستی فقط مجلس از آن استفاده کند بدیگران محول کنیم خاصه موضوع مهم بودجه سازمان برنامه که یك قسمت عمده ازبودجه مملکت است ودر کلیه مقدرات ما تأثیرخواهد داشت یك وقتی آمدیم یك اختیاری دادیم باینکه یك کمیسیونی بنشیند قوانین دادگستری را تصویب کند درآن موقع من مخالف بودم و حالا هم عرض میکنم شما را بخدا جدیت کنید و این موضوع را تسری ندهید که یك قسمت ازبودجه این کشور را بیك کمیسیون خاص محول کنید این از وظایف اختصاصی مجلس شورایملی است و این وظیفه را با نداشتن حق وکالت در توکیل به دیگران محول نکنید بنابراین تبصرهٔ یك بعقیده بنده تصویبش خالی از اشکال نیست و سازمان برنامه هم میتواند اگر تغییری را در اصول قانون مصوب مجلس شورای ملی ضروری بداند لایحه‌ای تهیه بکند وبیاورد تا درجلسه علنی مجلس شورایملی مورد تصویب واقع بشود . بایستی عرض کنم باینکه اگرعرایضی عرض میشود از نظررعایت اصول اصول است و ازافرادی که امروز برخلاف گذشته نسبت به عملیات سازمان برنامه خوشبین هستند یکی از این افراد من هستم و همینطور که در جلسات گذشته گفته شد این سفری که به خوزستان دعوت شدند آقایان وتشریف بردند و بنده هم افتخار داشتم باینکه حضور داشته باشم حقیقت اینست که یك روح امیدی در ما دمیده شد زیرا نه تنها دیدیم که مشغول ساختمان سد دز هستند ، نه تنها مزارع نیشکر بوجود میآورند بلکه کارهای دیگری هم انجام میگیرد . فرودگاه بزرگی ساخته شده است در دزفول که مورد استفاده است و می‌بینم باینکه خیابان سازی میشود ، جاده‌های اسفالته درست میشود که بسیار تأثیر درجریانات ارتباطات کشوردارد و یا اینکه ساختمانهای مناسب راهبرای کارگرها ساخته میشود. بطورکلی درهررشته‌ای که ملاحظه شد یك فعالیت فوق‌العاده‌ای وجود دارد و باین مناسبت جای قدردانی و شکرگزاری است و بنده خوشوقت هستم که وضع سازمان برنامه طوری شده که اگر لازم بشود میتوان گفت و استدلال کرد ومتصدیان امرش حاضرهستند که استدلال را بشنوند و قبول کنند یك وقتی برای ما مشکل بود بیان استدلال بکنیم و گوش شنوائی برای آن وجود نداشت وحاضر باستماع نبودند ولی حالا وضع اینطور نیست و ممکن است دلایل و جهاتی که در نظر گرفته شده بیان شود و حاضر هستند بیاناتی که مورد قبول باشد مورد توجه قرار بدهند و امیدوارم سازمان برنامه هم در وضع فعلی خیلی جدیت کنند چنانچه بهبودی هم حاصل شده است و سعی میشود که رعایت اقتصاد کامل در هزینه‌ها بوجود بیاید و از صرف وجوه غیر لازم خودداری بشود و درظرف این مدت دراین قسمت هم بطوری که اطلاع دارم بهبودی خاصی حاصل شده . اما راجع به تبصرهٔ ۲ حقیقت اینست که در جلسهٔ گذشته بیانی شد که همینطور که مجلس نمی تواند دوره خودش را تمدید بکند ، تمدید مدت مأموریت این اشخاص هم مجوزی ندارد بنده را عفو بفرمائید باینکه اگر بگوییم این قیاس مع‌الفارق است بدلیل اینکه تعیین مدت دوره مجلس شورای ملی بموجب قانون اساسی شده است و این قانون اساسی است وغیرقابل تغییر ودست بردن در آست باین مناسبت مدت معینی را مقرر داشته ولی انتخاب چند نفری برای نظارت در هزینه هائی بموجب قانون عادی تصویب شده ومیتوان آن قانون عادی را تغییر داد ، میتوان تمدید کرد ، اگر چنانچه مدت مأموریت این اشخاص تمدید بشود نه بر خلاف اصل است و نه بر خلاف قانون اساسی است ونه برخلاف قانون عادی است مثل این است که آقایان به تجدید انتخاب این اشخاص اقدام فرموده باشید و این هیچ اشکالی ندارد خلاصه اینکه گفته میشود این اشخاص مردمان صالحی بودند و در وظایفی که بآنها محول شده بنحو مطلوب انجام وظیفه کرده اند حالا اگر چنانچه بگوئیم مدت مأموریت آنها که بموجب قانون عادی دو سال تعیین شده است بمدت زیاد تری باقی بماند یك انتخاب مجدد و اظهار نظر مجددی است از مجلس شورای ملی و بعقیدهٔ بنده این کار دارای یك حسن هم هست زیرا اگرمعتقد هستیم که این افراد خوب کار کردند تمدید مدت مأموریت آنها لازمه اش اینست که مجلس شورای ملی از افراد خدمتگزار قدردانی کرده است و گفته است که شما مدت مجددی مشغول باشید و این خود اظهار قدر دانی است بنابر این بنده تقاضا دارم نسبت بعرایضی که درقسمت

تبصره یك کردم آقایان محترم بذل توجهی بفرمایند اگر چنانچه بر خلاف اصول است تصویب نفرمایند که بصورت دیگری این مقصود انجام بگیرد .

نایب رئیس ـ چون دیگر درخواست بحث و مذاکره نشده اعلام رأی میشود برای ورود در مادهٔ واحده منتظر حصول اکثریت هستیم ، آقای دکتر کیان بفرمائید .

معاون نخست وزیر (دکتر کیان) ـ خواستم عرض کنم که ممکن است عبارت این ماده درست و رسا نباشد یا اینکه اگر کلمهٔ مکلف است ، باید تغییر پیدا کند ، ولی چون این مادهٔ واحده دوشوری است و به کمیسیون خواهد رفت و جناب آقای وزیر مشاور هم تشریف خواهند داشت و درآنجا اصلاحات عبارتی لازم را بعمل میآورند بنابراین نگرانی از اینکه ممکن است این کلمات موجب اشکال بشود نباید داشت .

نایب رئیس ـ آقایانی که با ورود در مادهٔ واحده موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد . مادهٔ واحده مطرح است آقای مهندس خسرو هدایت بفرمائید

مهندس خسروهدایت(وزیرمشاور) دربهمن ماه ۳۸ یك قانونی دولت بمجلس آورد و تقاضا کرد که اختیارات مدیر عامل سازمان برنامه به نخست وزیر تفویض شود . در خود مجلس یك موادی اضافه کردند ، یکی اینکه گفتند دولت مکلف است تا ۶ ماه لایحهٔ جدید سازمان برنامه را بیاورد . حالا این لایحه را دولت در موعد مقرر آورد و باحترام نظری که آن موقع مجلس اظهار کرده کلمهٔ مکلف است را گذاشت وگفت دولت مکلف است که بجای این تاریخ در تاریخ مهر ۴۰ بیاورد . پس در حقیقت این کلمه پیروی از نظری بود که مجلس داد . یك نکتهٔ دیگر باز مجلس اضافه کرد گفت که دولت میبایستی در این قانونی که میآورد تکلیف نظارت وخصوصاً نظارت مالی را تعیین کند. این قانون دربهمن ماه گذشت پس در حقیقت با تصویب آن قانون دولت میبایستی تکلیف نظارت را معلوم کند دولت فکر کرد که در این مدت میتواند این کار را انجام دهد و تکلیف نظارت را معلوم خواهد کرد اما پس از شش ماه باین نتیجه رسید که نمیتواند و در ضمن چون تکلیف شده بود که تکلیف نظارت مالی را معلوم کند باین جهت گفت که این مدت تمدید بشود تا من فکر کنم در خود کمیسیون برنامه مدت یکسال تغییر کرد وشد تا پایان دوره و همین است که الآن موزد بحث است و اگر امروز هیأت نظارت را برای دوسال انتخاب بفرمائید میشود دارد ببهشت ۴۱ ودرشهریور ۴۱ سازمان برنامه تمام میشود . پس درحقیقت پیشنهادی که مورد بحث است همان دوسال است چه تجدید انتخاب بشود و چه تمدید بشود منتها باآنچه گفته شد سه چهارماه فرق دارد پس بنظر بنده خلاف اصلی صورت نگرفته و همین است که جناب آقای صارمی هم تذکر دادند که هیچ منافاتی با قانون اساسی ندارد ولی آنهم که آقای صارمی فرمودند با اصول منافات دارد ، با اصول منافاتی ندارد زیرا درخود قانون سازمان برنامه ماده ۵ بند سوم میگوید که اگر در هر یك از فصول خواستند تغییری بدهند تا ۱۰ درصد با کمیسیون مشترك برنامه است ، پس حق وکالت در توکیل را تا ده درصد در اینجا داده اند حالا ما آمدیم گفتیم صد در صد باشد چرا اینطورشده ؟ برای اینست که مثلا در فصل کشاورزی و آبیاری در قسمت سد سازی مخارج ما بیش از آنچه پیش بینی میکردیم شده و این برای اینست که مثلا سد کرج را پیش بینی کردیم ۱۵۰ میلیون تومان ولی ۶۰۰ میلیون تومان خرج شد ، سد سپید رود بهمین نسبت تغییر کرد ، چرا ؟ چون که اولا میشود گفت شاید برآورد ابتدائی صحیح نبوده ، دوم اینکه قیمت ها تغییر کرده و این هست بنابر این اگر در فصل آبیاری و سد سازی از آن ده در صد تجاوز شده برای این است که قیمت ها اضافه شده بعد هم سد دز نبوده و تحت عنوان عمران خوزستان بوده وحالا عرض کردم که سد دز و تغییر قیمت و برآورد اشتباه اینها منجر بر این شده که مخارج سد سازی از ده در صد بیشتر تجاوز کرده اما اینکه میفرمائید که ازیك فصل بضرر فصل دیگری نباید استفاده شود کاملا صحیح است اما مامثلا درفصل امور اجتماعی میخواهیم کار بکنیم ، چکار باید بکنیم؟ باید بکلیهٔ شهرستانها برق بدهیم چنانچه فرمودید ولی وقتی که مادر خوزستان سد دز ساختیم یعنی تمام خوزستان را موفق شده ایم برق بدهیم . وقتی سد سفید رود تمام شد ، یعنی منجیل وپهلوی و رشت و لاهیجان را برق داده ایم اینها را نمیشود از هم تفکیك کرد که شما این مبلغ را از فصل امور اجتماعی نگاه دارید یك دیزل بگذارید در محمودآباد برق بدهید وقتی ما توانستیم نقل نیرو بکنیم و آن جوری برق بدهیم این دیگر تشخیص با آن اشخاصی است که برنامه را عمل میکنند . ما سفید رود را میسازیم ، برق هم داریم . برای لاهیجان دیگر موتور نمی گذاریم از آنجا برق میدهیم پس نظر جنابعالی تأمین است و برق وآب و اسفالت آنچه میخواهند بتناسب زمان داده خواهد شد . جناب آقای عمیدی نوری فرمودند شرکت

مناقصه را برده ولی شروع نکرده ولی این را باید دانست که در آن واحد نمیشود تمام کار ها را اکرد در کشور ما سه سد بزرگ در حال ساختمان است و کسانی که از خارج می آیند و می بینند سه سد در آن واحد دارد ساخته میشود تعجب میکنند برای همین است که آمده‌اند ازبعضی اعتبارات کم کرده‌اند و کارهای معوق‌مانده پس‌بنده نمیتوانم فکر بکنم ملت ایران میتواند گله داشته باشد که‌چرا درزمان حاضر فقط سه‌سدساخته‌شده، درهمه‌جا یك سد میسازند بعد یکی دیگر ، ما از حیث میزان کار نمیتوانیم بیشتر از آنچه هست عمل کنیم اصلا کار گرش نیست پریروز لوله کشی کاشان افتتاح شد لوله کشی کاشان را شهردار میگفت تحویل نمیگیریم برای اینکه آدمش نبود توانائی‌مادی و انسانی را باید درنظر گرفت وپیش‌بینی کرد البته تذکر جناب آقای صدرزاده که فرمودند قرض زیاد میشود ماوقتی‌عنوان‌برنامه‌هارا مینوشتیم گفتیم/۸۰ درصد از درآمد نفت و حق دادیم /۲۴۰ میلیون دلار خرج کنیم و قرض کنیم ولی قرضی که تا بحال کردیم /۲۱۶ میلیون دلاراست پس‌بآن‌میزان قرض‌هم که‌خیال میکردیم احتیاج خواهیم داشت قرض نکردیم و میزانی که سازمان برنامه قرض کرده کمتر از میزانی است که خود ما پیش‌بینی میکردیم خلاصه‌این قانون عبارت از اینست که سازمان برنامه ازلحاظ قانون وعمل ازحال بلاتکلیفی دربیاید چون با تعویض اختیارات معوق مانده بود و این قانون وقتی تصویب بشود سازمان برنامه از نظر تشکیلات و از لحاظ هزینه و ازلحاظ نظارت برهزینه تکلیفش روشن میشود و مقصودداشتن بابزار کاراست برای انجام کار اگر بنظر آقایان طریق دیگری میرسد که ازاین طریق بهتر بتوان منظور را عمل کرد از لحاظ ما فرق نمیکند هر تصمیمی که اتخاذ میفرمائید طوری باشد که سازمان برنامه بتواند کار خودش را انجام بدهد .

نایب رئیس ـ آقای ارباب

ارباب ـ خیلی‌معذرت‌میخواهم آقایان خسته‌هستند وقت‌هم گذشته ولی امروز حقاً من یك تکلیفی دارم دراین مجلس‌شورای‌ملی و میخواهم عرایضی را عرض کنم ، بتمام مراجع دولت و کسانیکه متصدی امورعمرانی هستند مکرر عرض کردم ولی رسمی نبود و اینجا یك مقام رسمی است جناب آقای مهندس خسرو هدایت وزیر محترم مشاور و قائم‌مقام نخست‌وزیر درسازمان برنامه‌بسیار مرد خوش‌قلب و خوش برخوردی هستند هیچکس منکر نیست هر کس خدمت ایشان‌میرسد دلتنگ بیرون نمیآید اعم‌ازاینکه کار انجام شده یا نشد ، و شاید ایشان گله کنند که من با این حسن برخورد همیشه بتو وعده‌دادم دیگر چه میگوئی بله وعده دادید ولی چیز دیگر ندادید . ۲۵ روز دیگر ازعمر نمایندگی بنده در دورهٔ ۱۹ بیشتر باقی نیست اگر زنده بمانم عرایضی‌را که میکنم برای ادای تکلیف است و بنا باصطلاح معروف برای اینست که جاهائی باقی بگذارم برای آنکسی که باراده‌ٔ ملت در دورهٔ ۲۰ بیاید اینجا بلکه بتواند کاری‌بکند بنده که دراین دوره ودورهٔ پیش‌نتوانستم کاری برای مردم انجام بدهم و بسیار خجل و متأسفم فقط گفتم ، خواستم ، التماس کردم ، گدائی کردم ، تمنی کردم اثر نداشت . این دیگر گناه من نیست ، یك آدم موثری نبودم اگر مؤثر بودم توجه میکردند که ای کاش همانطور که آقایان تشریف آوردید سد دز را ملاحظه فرمودید که سازمان برنامه‌فعالیت‌قابل تقدیری‌میکند ایکاش یك‌سفری هم به‌بنادر و جزایر بحرعمان که ایران بدون آن بنادر و جزایر ایران‌نیست میآمدیدومیدیدید که مردم‌چه‌میکنند فرماندار کل بنادر رفته بود سر کشی من او را پای تلفن خواستم که‌چه‌مشاهده کردید ؟ گفت گزارش‌دادم درجاسك هیچ‌چیز ندارند مردم هیچ‌چیز ندارند یعنی نه‌دارو نه‌وسیله هیچ‌چیز ندارند . کراراً عرض کردم کارهای بسیار مهمی دراین مملکت انجام شده یا در دست انجام است اما بخدای لایزال رعایت الاهم فالاهم نمیشود بخداقسم رعایت تناسب نمیشود، چطورمیشودیك‌ناحیهٔ مهم کشوررا نادیده بگیرند چه کرده‌اند؟ سالهاست برنامهٔ راه‌سازی دارند هروقت آقای وزیرراه‌را دیدم گفتند بله پل‌فلزی‌سفارش دادیم‌میآید، کی میآید ؟ هفت سال است دارند مردم میروند به‌شیخ نشین‌ها جمعیت‌ما دراین نواحی کم‌میشود برای‌اینکه ماکار نداریم، به‌آنها بدهیم همین بوشهر آب خورا کی‌ندارد همهٔ خرجش ۱۰ ملیون تومان است که یك دستگاه بگذارند آب دریا را شیرین کنند بدهند به مردم ، مردم آب خورا کی و آشامیدنی‌ندارند به‌بندرعباس‌وعده میدهید ، بندر میسازیم برای همه‌جای دیگروام گرفتند چرا برای آنجا نمیگیرید استان مردهٔ کرمان جزازراه ساختن بندرعباس‌زنده‌نمیشود (سالار بهزادی ـ استان عقب‌افتاده کرمان بفرمائید) چرا توجه نمیکنید ؟ بنده موافق دولت هستم نهایت ارادت را به همه آقایان دارم بخصوص جناب آقای مهندس خسرو هدایت ولی جداً اعتراض‌دارم که چرارعایت تناسب نمیشود

چرا بحال‌مردم توجه نمیشود؟ یك‌عمل‌مهم درجنوب بکنید همه‌اش یك‌نواحی‌را گرفته‌اید، بسیارمتشکریم راه میسازید خیلی ممنونیم، مگر آنها سهیم نیستند؟ بنده متشکر میشوم توضیح بدهند کارهای مهمی که دربنادر و جزایر میشود چیست ؟ مگر طبیعت کمك بکند و مردم کاری بکنند والا ماچه‌کاری برای آنها می کنیم ؟ برنامهٔ هفت ساله اول کاری نکرد برای اهالی جنوب ، یعنی جنوب را که عرض میکنم خوزستان را نمی گویم بنده بنادر و جزایر بحر عمان‌را میگویم برنامه دوم‌هم کاری نکرد حالا برنامه‌سوم راکه مینویسید برای رضای خدا توجهی باین قسمت از مملکت بکنید بنده تمنی میکنم بنام یك ایرانی که معلوم نیست چندثانیهٔ دیگرزنده‌هستم بی‌اعتنائی نکنید دربرنامهٔ سوم‌یك برنامه‌ای‌هم‌برای‌آن مردم که یك‌دریائی ازجواهر در کنارشان قراردارد تنظیم بکنید ، ۸ سال است در برنامه دولت است که یك جدول تنظیم آب در میناب تهیه کنند ۸ سال است کراراً مأمور رفته آمده هزینه گرفته ، اینها کنترل نمی‌شود که چی‌خرج کردند اخیراً بدون اینکه کاری انجام بدهد از کرمان مأموری پاشده رفته آنجا اسباب زحمت مردم شده که این آبی که تو میبری از کجا میبری میگوید که حقابه دارم بثبت دادم‌لااقل‌مرابه‌خیرتوامیدنیست شرمرسان کاری که‌نمیکنید مزاحم مردم هم نشوید دستور بدهید به مأمورین آبیاری مردم‌را ناراحت نکنند تنظیم آب درست اما اول‌سد بسازید آنوقت بجان مردم بیفتید هیچکاری انجام نشده چرامزاحم مردم هستید یك فرودگاه برای ما حواله فرمودند که فرودگاه‌میسازیم کسی که‌مقاطعه کارنبود ، کسی که‌اینکاره نبوده قیمت نازلی پیشنهاد کرده توجه نکردند که با این قیمت نمیشود فرودگاه ساخت الان یك سال است دارد خاکبازی میکنند نمیتوانند کاری بکنند یك کار کردند که آنهم‌اینجوراست‌دیگرمصدع‌نمیشوم چون یادداشت‌مفیدی رسیده‌میدهم‌خدمت‌آقای مهندس هدایت خودشان‌ملاحظه بفرمایند استدعا میکنم درتنظیم برنامه سوم یك عنایتی بفرمائید یك قسمت زرخیز مملکت یك مردم وطن پرست افراد هر گوشه مملکت اگراغفال شدند اگرعناصر منحرفی درآن مناطق پیدا شدند یك نفر منحرف درآنجا پیدا نشد یك نفر غیرشاه‌دوست دیده‌شد ، یك‌نفرغیروطن‌پرست‌دیده نشد میروند زحمت میکشند میآیند در بندر لنگه خرج میکنند بحال این مردم برای خدا توجه بفرمائید .

نایب رئیس ـ آقای رامبد .

رامبد ـ مخالفم .

نایب رئیس ـ آقای صدرزاده .

صدرزاده ـ مخالفم.

نایب رئیس ـ آقای‌بزرگ ابراهیمی‌موافقید‌بفرمائید.

بزرگ ابراهیمی ـ عیب بزرگی که ما داریم اینست که همه جزئی‌بین هستیم کلیات را نمی‌بینیم درمملکت مابابد کلیات را دید جزئیات را نباید دید باید روی کلیات‌صحبت کرد نه‌اینکه فلان‌جا اینطور نشد بنده پشت این تریبون دیدم همکاران آمدند ازراه تبریز گله کردند بنده هم دیدم خراب بود باید دید مقدورات مملکت چقدر است و ما چه میخواهیم الان جناب آقای ارباب استاد وسرورنده راجع به‌بندرعباس گله داشتند بنده عرض میکنم وکیل باید در کلیات صحبت کند نه جزئیات شما مأمورید برای ملت ایران شما مأموراین نیستید که فلان مأمورخوب کار کرد یا بد کار کرد اگرنظر آقایان باشد جناب آقای علاء روزی که‌همین برنامه را آوردند پشت این تریبون عرض کردم این برنامه واین بساط شما را به‌کریز کارگر و پول مبتلا خواهد کرد برای اینکه شما مجبور میشوید مقداری پول خرج کنید که‌دراستعداد اقتصادی مانیست کارگرهم‌برایش نیست البته چون من دهاتی بودم ونفهمم ، کسی گوش‌نداد حالا ما میآئیم ومیگوئیم کارگر نیست این غیر ممکن است مملکت‌یك‌مقدوراتی دارد ، خیلی معذرت‌میخواهم ان‌شاءالله تعالی شما انتخاب خواهید شد این را برحسب امریه‌ای که ازطرف یکی ازبزرگانم‌رسید، عرض میکنم اطاق انتخاباتی بسیارخوب است خدا انشاالله موفقتان کند ولی محض‌رضای خدابه‌عرضم گوشی‌بدهید مژده میدهم بندرعباس‌راخواهند ساخت‌یك‌بندر معظمی‌و۲۶میلیون دلارهم‌خرجش‌خواهند کرد ضرغام بیچاره آمد بندربوشهر را بسازد گفتیم بسیار بسیارمبارك است رفت درمجلس سنا گیر کرد اوهم ازوزارت گمرکات رفت پس مطمئن باشید وضع اینطوری است من بعضی اوقات فضولیم زیاد است خیلی فضولیم زیاد است‌شما یك مملکت عریض وطویل دارید با ۲۰ میلیون جمعیت‌تمام پولی‌که بابودجه ونفت حسن‌وتقی‌جمع‌کنید بقدریك درآمد شهرداری یکی از شهرهای معظم دنیا درآمد نداریم نه کارگرداریم‌برای کارکردن ونه پول داریم حالامیآئم وهی ازدولت میخواهیم، بایدکمك‌کرد ، دست بدست‌هم‌دادامروز خوزستان‌آباد میشود فردا بندرعباس پس فردا آذربایجان

و شیراز اگر بنا باشد جناب آقای عمیدی نوری استاد عزیزم عرض میکنم طبرستان از آستارا شروع میشود تاگرگان با یك سد سپیدرود قسمتی از این منطقه آباد میشود (عمیدی نوری ـ آب احتیاج ندارند) آب را عرض نکردم آبیاری بدون برق دردنیا منفعت ندارد الان سد دز (عمیدی نوری ـ پول مردم‌را پس بدهند) شما فکر میکنید همان علم‌ده وفریدون کنارهمه‌اش سه هزار تومان نداده‌اند به‌حضرت عباس اینقدرپول مهمی نیست به‌حضرت عباس‌من وکالتاً ازطرف آقای‌مهندس هدایت این پول‌را تقدیم کردم درهرحال بنده معتقدم بسا بیك دولتی مطمئنیم و در توی این‌دولت مخصوصاً به‌خسروهدایت مطمئن‌ترهستیم‌یك‌مردی دارد خدمت میکنند یك تقاضائی دارد ، یك‌کاراصولی‌است فرض بفرمائیدکه یك هیئت نظارتی هم انتخاب کردم ویك زحمت دوم کشیدیم ویك‌عده اسم‌نوشتیم ، اثرش‌چیست ؟ چه شده است‌که ما باید روی این‌خشخاش‌مته‌بگذاریم وسوراخ کنیم ، فایده ندارد ، بگذارید این آقایان بمانند هیچ‌عیبی هم نخواهد داشت بعقیده بنده مخالفت آقایان جز زحمت چیز دیگری ندارد .

نایب رئیس ـ آقای رامبد .

رامبد ـ مطالبی که پشت تریبون مجلس شورایملی عنوان‌میشود نظریات آقایان نمایندگان‌محترم به‌نمایندگی از طرف ملت ایران آنچه که بصورت قانون تصویب میشود باید اجرا بشود و آنچه هم که اظهار میشود در مجلس شورای ملی و در مقابلش نمایندگان دیگر اعتراض نمیکنند به عقیده بنده اظهار نظر قطعی‌ملت‌ایران تلقی‌خواهدشد وروی این قلباً تعریف یاانتقاداز اشخاص‌بدون مطالعه‌وبدون وارد شدن‌درجزئیات درشأن مجلس شورای ملی نیست همچنان‌که بنده‌حق‌ندارم قبل ازاینکه وارد جزئیات کار یك مأموری که در هرمقام وهرمنطقه‌ای باشد بشوم دراینجا اورا متهم ومحکوم بکنیم حق‌هم نیست‌قبل ازاینکه‌ازاعمال مأموری درحدودوظایف ومسؤلیتش اطلاع کاملی برای مجلس شورای ملی حاصل نشده باشد ، به‌صرف‌حسن رابطه‌ویاخدای نکرده حب‌بغض اینجا مطلبی ابراز بشود جناب آقای صارمی دلیل ادامهٔ خدمت هیئت نظارت قبلی سازمان برنامه‌را عنوان‌فرمودند برای اینکه این آقایان خوب کار کردند ما تشویق کنیم . انشاءالله‌همینطورباشد بنده‌هیچ‌مخالفتی برای‌خوب کار کردن آنها ندارم ولی برعکس هیچ تأییدی هم به‌خوب کار کردن آنها نمی کنم ، کسی‌حق داردانظارنظر بکند که‌بجزئیات و نحوهٔ انجام وظائفشان وارد باشد البته اگر بیش از حد انتظارملت ایران وآنچه‌که باید میکردند کاری انجام دادند که باید تشویق بشوند ولی خود آقای وزیر مشاور اینجا بیاناتی فرمودند که حاکی از حق پاداش و تأیید در مورد عملیات‌ایشان نبودبلکه ایشان حق مطلب‌را فرمودندلااقل بعنوان اینکه مسئولیتی که این عده داشتند تاآخر داشته باشند وبعد خوب کار کردن وبدکار کردنشان معلوم باشد آن مطلب این است ولی به‌صرف اینکه عنوان شد این آقایان خوب کار کردند ومجلس شورای ملی پاداش بدهد بنده بسهم خودم این مطلب را تأیید نمی کنم بهیچ عنوان هم ایراد نمی کنم که خدای نکرده بدکار کردند و اصولا وارد این بحث‌نمی‌شوم اصولا وارد این مرحله صحبت‌شدن تصور میکنم ازبحث دربارهٔ این‌لایحه خارج‌باشد .

رایب‌رئیس ـ پیشنهادی راجع به‌ کفایت مذاکرات نسبت بمادهٔ واحده رسیده که قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد) .

ریاست‌محترم‌مجلس‌شورای‌ملی‌پیشنهاد کفایت‌مذاکرات مینماید ـ مشایخی .

نایب رئیس ـ مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) آقایانی که باپیشنهاد کفایت مذاکرات موافقند قیام فرمایند .

(اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهاد های مادهٔ واحده قرائت میشود (بشرح زیرخوانده‌شد) .

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینماید تبصرهٔ ذیل به ماده چهل قانون واگذاری اختیارات‌سازمان برنامه برئیس دولت اضافه‌شود

تبصره ـ دولت‌مکلف است اجرای آن قسمت‌ازکارهائی که هنوز شروع نشده و جزء برنامه‌های عمرانی هفت‌ساله دوم پیش بینی شده و اعتبار آن موجود است و ممکن است بوسیلهٔ دستگاههای اجرائی موجود انجام پذیرد تا مهرماه ۱۳۴۱ بدستگاههای مربوطه منتقل نماید و سازمان‌برنامه نظارت در حسن اجرای طرحهای مزبور بعمل بیاورد .

دکتر مشیر فاطمی

مقام محترم‌ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینمایم جملهٔ (بکمیسیون مشترك برنامه)به کلمه (مجلس) در سطر آخر تبصره ۱ تبدیل گردد .

صارمی

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینمایم تبصره ۲ حذف شود و بجای آن این

تبصره تصویب شود .

تبصره ۶ ـ سازمان برنامه مکلف است اجرا و تکمیل برنامه‌های اجتماعی‌مربوط‌باصلاحات شهرسازی‌شهرستانها را مقدم بر برنامه‌های دیگر خود قرار دهد. عمیدی نوری

مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم‌تبصره ذیل بماده واجده مربوط‌بسازمان برنامه اضافه شود .

تبصره ۳ ـ درتنظیم‌برنامه‌سوم وتقسیم اعتبارات‌عمرانی مساحت و جمعیت شهرستانهای کشور باید مورد توجه واقع گردد . امیدسالار

مقام محترم ریاست‌مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینمایم تبصره ۱ ماده‌واحده‌اینطوراصلاح‌شود

تبصره۱ ـ اجازهٔ سازمان‌برنامه مبنی برافزایش‌تابیست درصداعتبارات فصول چهارگانه‌موضوع ماده ۲ تاسی‌درصد مجاز میباشد . عمیدی نوری

پیشنهاد میکنم که تبصره اول بشرح زیر اصلاح‌شود .

تبصره ۱ ـ چنانچه نسبت بسهم سازمان برنامه از نفت و یا حدود و وسعت برنامه‌ها و برآورد هزینه‌های مربوط تغییراتی صورت گیرد و اعتبارات مواد فصول چهارگانه موضوع ماده ۲ قانون برنامه هفت ساله دوم را بدون اینکه اعتبار هر یك ازفصول مزبور تقلیل پیدا کند ظرف مدت چهارماه سازمان برنامه مورد تجدید نظر قرار داده وجهت تصویب مجلسین تقدیم خواهد کرد .

دکتر دادفر

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

بجای تبصره۲ماده واحده تبصره ذیل‌را پیشنهادمینمایم

تبصره ـ مدت انجام وظیفه‌هیئت نظارت فعلی‌از تاریخ انقضاء برای مدت دوسال تمدید میشود .

پیشنهاد مینمایم تبصره ذیل اضافه شود .

تبصره ـ درتجدیدنظرنسبت‌باعتبارات فصول چهارگانه انجام امور شهرسازی مخصوصاً برق شهرها مقدم است .

عمیدی نوری

پیشنهاد مینمایم تبصره ۲ حذف شود .

عمیدی نوری

نایب رئیس ـ شور اول‌ماده‌واحده تمام است برای‌شور دوم با پیشنهادها به کمیسیون ارجاع میشود .

۷ ـ طرح و تصویب یك فوریت لایحه تأسیس انبارهای عمومی

نایب رئیس ـ درجلسه‌گذشته‌لایحه‌ای راجع‌به‌تأسیس انبارهای عمومی تقدیم شد فوریت آن مطرح است لایحه قرائت میشود .

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۱ ـ انبارعمومی‌مؤسسه‌ایست بازرگانی که‌بمنظور قبول امانت‌ونگهداری‌مواداولیه‌ومحصولات صنعتی‌وفلاحتی وکالاهای صاحبان صنایع‌وکشاورزان وبازرگانان‌واصناف باموافقت هیئت نظارت برانبارهای عمومی وتصویب‌وزارت بازرگانی وبارعایت مقررات این قانون وآئین نامه های مربوطه بصورت شرکت سهامی تأسیس وبرطبق مقررات قوانین ایران به ثبت رسیده باشد .

تبصره ـ کلیه‌سهام شرکتهای مذکور درماده فوق باید بانام بوده ولااقل شصت درصد آن متعلق باشخاص حقیقی تبعه ایران وباشرکتها و مؤسساتی باشد که لااقل شصت درصد سهام آنها به اتباع ایرانی تعلق داشته باشد .

مادهٔ ۲ ـ انبارهای عمومی کالاهای مذکور درماده‌فوق را درمقابل‌قبض رسیدبه امانت میپذیرند وبه تقاضای‌تودیع کننده برطبق مقررات این قانون وآئین نامه‌های مربوطه برگ وثیقه صادر خواهند نمود .

ماده۳ ـ انبارهای‌عمومی‌مکلفند درموقع تأسیس‌وثیقه وضمانات بانکی برابر مبلغی‌که بموجب تصویبنامه هیئت وزیران تعیین خواهد شد به وزارت بازرگانی بسپارند .

ماده۴ ـ انبارهای عمومی‌مسئول حفظ ونگهداری کالا های سپرده وجبران خسارت وارده بآن میباشندولی‌مسئول خسارات ناشی از مسامحه یاعمل تودیع کننده و خسارات ناشی از خودکالا و نقص بسته بندی وخسارات ناشی‌ازقوه قاهره (فرس‌ماژور) نمیباشند .

ماده۵ ـ انبارهای عمومی مکلفند کالاهای سپرده شده به‌انباررا بموجب بیمه‌نامه عمومی برضدخطرات‌بیمه‌نمایند

تبصره ـ دارنده برگ وثیقه بمیزان طلب‌خود وانبار عمومی بمیزان‌هزینه انبارداری نسبت به‌خسارات پرداختی بیمه‌گر بترتیب حق تقدم خواهند داشت .

ماده۶ ـ قبض رسید وبرگ وثیقه انبارهای عمومی را میتوان تواما یاجداگانه ازطریق ظهر اویسی‌منتقل نمود. درصورت ظهراویسی برگ وثیقه کالای مربوط بآن‌درگرو شخصی که ظهراویسی بنفع‌او شده قرار خواهد گرفت و درصورت‌ظهراویسی قبض‌رسیدمالکیت کالا بانتقال گیرنده منتقل خواهد شد .

تبصره ـ انتقال مالکیت کالا در هیچ مورد بحقوق کسی که قبض وثیقه بنفع او ظهراویسی شده لطمه ای نخواهد

زد و حق وثیقه گیرنده کالا در هرحال محفوظ خواهد بود .

ماده ۷ ـ کسی که قبض رسید یا برگ وثیقه بنفع او ظهرنویسی شده میتواند تقاضا کند که ظهرنویسی باقید نام و نام خانوادگی و محل اقامت او در دفاتر انبار ثبت شود ولی اولین ظهرنویسی برگ وثیقه باید در موقع وثیقه گذاردن کالا در دفاتر انبار به ثبت برسد و درغیر اینصورت وثیقه مزبور درمقابل شخصی که وثیقه خودرا بثبت رسانیده معتبر خواهد بود و بعلاوه شخص متخلف درمقابل اشخاص ثالث مسئول خسارات وارده از تخلف خود خواهد بود .

ماده ۸ ـ ظهرنویسان برگ وثیقه درمقابل دارندهٔ آن مسئولیت تضامنی دارند و هرگاه ماحصل فروش کالا برای پرداخت طلب دارنده وثیقه کافی نباشد دارندهٔ برگ وثیقه میتواند نسبت به بقیه طلب خود به صاحب کالا یا هریك از ظهرنویسان قبلی مراجعه کند .

ماده ۹ ـ کسی که کالای خودرا بوثیقه گذارده میتواند تمام یدهی خودرا قبل از انقضای موعد دریکی ازبانکهای مجاز بنام وثیقه گیرنده تودیع و کالای خودرا تحویل گیرد. انبارهای رسمی مکلفند در مقابل ارائه رسید مزبور پس از پرداخت حقوق و هزینه انبارداری کالای مورد وثیقه را به صاحب آن تحویل نمایند .

ماده ۱۰ ـ دعاوی ناشی از عدم پرداخت بدهی مذکور در برگ وثیقه بفوریت و خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد .

ماده ۱۱ ـ چنانچه قبض رسید یا برگ وثیقه مفقود شود ذیحق آن میتواند بدادگاه شهرستان صالح مراجعه نماید . چنانچه دادگاه تقاضارا موجه تشخیص دهد مراتب را درسه نوبت متوالی هرده روزیکبار دریکی ازروزنامه‌های کثیرالانتشار محل منتشرخواهد نمود ومعترضین میتوانند در ظرف ده روز از تاریخ انتشار آخرین آگهی اعتراض خودرا بدادگاه مزبور تسلیم نماید .

دادگاه پس‌از رسیدگی میتواند با اخذ وثیقه ویاتضمین کافی حکم بر تسلیم کالا بمتقاضی بنماید .

ماده ۱۲ ـ مدت ضمان یاوثیقه مذکور درماده قبل سه سال است ودرپایان این‌مدت‌وثیقه آزاد وهیچگونه‌دعوائی علیه ضامن درمحاکم مسموع نخواهد بود .

ماده ۱۳ ـ بمنظور نظارت برانبارهای عمومی و انجام امور دیگری که‌دراین قانون وتصویبنامه‌های مربوطه‌پیش بینی خواهدشد هیئتی بنام هیئت‌نظارت برانبارهای عمومی دروزارت بازرگانی تشکیل خواهد شد .

شرایط ومقررات مربوط بتشکیل هیئت‌نظارت وحدود اختیارات وتعداداعضای آن بموجب‌تصویبنامه هیئت‌وزیران تعیین خواهد شد .

ماده ۱۴ ـ انبارهای عمومی مکلفند علاوه بر ذخیره احتیاطیکه در قانون تجارت برای شرکتهای سهامی پیش بینی شده است ۱۵٪ از سود ویژه سالیانه خودرا بحساب ذخیره مخصوص منظور نمایند تا اینکه اندوختهٔ مزبورمعادل سرمایهٔ پرداخته شده انبار بشود وبعداز آن ادامه تشکیل ذخیره مزبور اختیاری است .

برداشت ازاندوخته مزبور برای‌جبران ضرر وزیان‌انبار باموافقت هیئت نظارت برانبارهای عمومی خواهد بود .

ماده ۱۵ ـ درصورت تخلف انبارهای عمومی از اجرای مقررات این قانون‌وتصویبنامه‌ها وآئین‌نامه‌های آن‌وزارت بازرگانی‌میتواند به‌پیشنهاد هیئت‌نظارت بارعایت‌تشریفاتی که در تصویبنامه مربوطه پیش‌بینی خواهد شد اجازه‌ادامه تمام یا قسمتی از عملیات انبار را بطور موقت یا دائم سلب نماید . انبارهای عمومی میتوانند درظرف ده‌روز از تاریخ ابلاغ این تصمیم به هیئت وزیران شکایت نمایند و تصمیم هیئت وزیران دراین مورد قاطع خواهد بود .

ماده ۱۶ ـ انبارهای عمومی مکلفند معادل مبلغی‌که بموجب آئین‌نامه اجرائی قانون ازطرف وزارت بازرگانی تنظیم وبتصویب‌هیئت‌وزیران‌خواهدرسید‌تمبر برروی‌قبض رسیدوبرگ وثیقه‌باطل‌نمایند . تمبر برگ رسید درموقع تودیع کالا وتمبر برگ وثیقه هنگام اولین ظهرنویسی آن باطل خواهد شد .

ماده ۱۷ ـ جزئیات مربوط‌بطرزتأسیس‌انبارهای‌عمومی وشرایطی که‌بایدبرای حفظ حقوق صاحبان کالاوداردگان برگ وثیقه رعایت شود وهمچنین مبلغ تضمین یا وثیقه مذکور درماده ۱۳ این قانون وحق تمبر مذکور در ماده ۱۶ بموجب تصویبنامه‌ای که بتصویب هیئت‌وزیران میرسد تعیین خواهدشد .

ماده ۱۸ ـ وزارت بازرگانی ووزارت دادگستری‌مأمور اجرای این‌قانون میباشند .

نخست‌وزیر وزیربازرگانی وزیرداد گستری

نایب رئیس ـ رأی میگیریم به فوریت این لایحه آقایانی که موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد .

۸ ـ طرح وتصویب گزارش کمیسیون گمرکات و انحصارات راجع بسازمان بنادروکشتیرانی

نایب رئیس ـ گزارشی ازمجلس‌سنا مربوط به‌تأسیس سازمان بنادر و کشتیرانی رسیده است که اصلاحاتی‌درآنجا شده است واصلاحات راهم کمیسیون تصویب کرده است‌از طرف وزارت گمرکات وانحصارات تقاضا شده که در دستور قرار بگیرد ویك‌رأی بیشترلازم ندارد . آقایانی کهموافقند دردستور قرار بگیردقیام فرمایند (اکثربرخاستند) تصویب شد . حالا گزارش قرائت میشود .

(بشرح زیرخوانده شد)

گزارش از کمیسیون گمرکات و انحصارات

بمجلس شورای ملی

کمیسیون گمرکات و انحصارات با حضور آقای معاون وزارت گمرکات و انحصارات لایحه برگشته از مجلس سنا راجع به تأسیس سازمان بنادر و کشتیرانی را مورد رسیدگی قرار داده ماده واحده مصوب مجلس سنا را عیناً تصویب نمود اینك گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

مادهٔ واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون سازمانی بنام سازمان‌بنادرو کشتیرانی در وزارت گمرکات وانحصارات تشکیل میشود و مادام که برای اداره امور آن سازمان دیگری بموجب قانون ایجاد نگردیده وظایف آن بشرح زیر تحت نظر وزارت گمرکات وانحصارات انجام خواهدشد

اداره نمودن امور بندری بنادر کشور ـ تکمیل و توسعهٔ ساختمان و نگاهداری و تعمیر تأسیسات بندری و تأمین وسایل مخابراتی و امور انتظامی و همچنین تنظیم و اجراء مقررات بندری و کشتیرانی ساحلی و مراقبت در توسعه کشتیرانی بازرگانی و ثبت شناور های تابع کشور و تعیین شرایط تابعیت ایرانی برای کشتیها و سلب آن و وصول حقوق و عوارض بندری مطابق فهرست ضمیمه این قانون .

سازمان بنادرو کشتیرانی مکلف است کلیه اموال منقول وغیرمنقول خودرا بقیمت روز ارزیابی وبعنوان سرمایه در دفاتر ثبت نماید مقررات استخدامی سازمان تابع قانون استخدام کشور وسایر مقررات اداری ومالی وهمچنین‌ارخ بهره برداری ازتأسیسات و تجهیزات بندری بموجب‌آئین‌نامه‌ای خواهد بود که بتصویب هیئت وزیران‌رسیده باشد .

بودجه سازمان جمعاً وخرجاً دربودجه کل کشورمنظور و بودجه تفصیلی پس از موافقت وزارت دارائی و تصویب هیئت وزیران قابل اجرا خواهد بود . مازاد درآمد ها را واندوخته‌های سازمان بحساب ذخیره مخصوص‌ریخته‌خواهد شد تا بمصارف معین درآئین نامه برسد .

تبصرهٔ ۲ ـ سازمان بنادر و کشتیرانی مجاز است حد اکثر چهار نفر کارشناس فنی خارجی برای مدتی که لازم بداند بارعایت تشریفات قانونی استخدام نماید .

تبصرهٔ ۳ ـ تغییرات ضروری در نرخ حقوق و عوارض مندرجه در فهرست ضمیمه این قانون تا حدود سی در صد با تصویب هیئت وزیران مجاز خواهد بود .

مقررات این قانون شامل کلیه بنادر و لنگرگاهها و ترعه ها ودریاچه ها ورودخانه های قابل کشتیرانی‌وآبهای ساحلی کشورخواهد بود وحدود هربندر بموجب‌تصویبنامه هیئت وزیران تعیین خواهد شد .

ساختمان بنادریکه سازمان برنامه مشغول ساختمان آن است با ساختمانهائیکه بعداً با تصویب هیئت دولت بسازمان برنامه محول شود کماکان بوسیله‌آن سازمان انجام خواهد شد .

آئین نامهٔ های اجرائی این قانون از طرف وزارت گمرکات و انحصارات تنظیم پس از تصویب هیئت وزیران بمورد اجرا گذارده میشود .

وزارت‌گمرکات وانحصارات مأمور اجراء این قانون است .

از طرف‌مخبر کمیسیون گمرکات وانحصارات ـ صارمی

گزارش از کمیسیون دارائی بمجلس شورایملی

کمیسیون دارائی با حضور آقای وزیر گمرکات و انحصارات لایحه برگشته از مجلس سنا راجع به تأسیس سازمان بنادر و کشتیرانی را مطرح و پس از مذاکرات لازم خبر کمیسیون گمرکات و انحصارات را تصویب نمود اینك گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

مخبر کمیسیون دارائی ـ مشایخی

گزارش از کمیسیون امور استخدام بمجلس شورایملی

کمیسیون امور استخدام لایحه برگشته از مجلس سنا راجع بتأسیس سازمان بنادر و کشتیرانی را باحضور آقای معاون وزارت گمرکات مورد رسیدگی قرار داده لایحه مصوب مجلس سنا را تصویب نمود اینك گزارش آنرا در تأیید خبر کمیسیون گمرکات و انحصارات بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

ازطرف مخبر کمیسیون امور استخدام ـ ساکینیان

نایب رئیس ـ رأی میگیریم به گزارش کمیسیون آقایانی که موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد برای اجرا بدولت ابلاغ میشود.

۹ ـ تعیین موقع و دستور جلسه بعد ـ ختم جلسه

نایب رئیس ـ جلسه را ختم میکنیم جلسهٔ آینده روز یکشنبه دستور لوایح جاری که در دستور است و بعلاوه درخواست بعضی از نمایندگان مبنی بر در دستور گذاشتن طرح دانشکده‌های ملی.

(مجلس سی‌وپنج دقیقه بعد ازظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی ـ عماد تربتی